

بیراهه (۳)

پیش‌نویس و پاسخ‌های دانش‌آموزی

بهاثیت



س.ح.م. لردگانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهايت

تأليف :

س . ح . م . لردگانی



شرکت چاپ و نشرین الملل

سرشناسه : موسوی زاده ، سید حسین علی ، ۱۳۵۳ -
 عنوان و نام پدید آور : بهائیت / س.ج.م. لردگانی
 مشخصات نشر : تهران : سازمان تبلیغات اسلامی ، شرکت چاپ و نشر بین الملل ۱۳۹۰
 مشخصات ظاهری : ۹۷ ص
 فروست : پیراهه
 شابک : 978-964-304-418-3
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : بهائیکری -- پرستش ها و پاسخ ها
 شناسه افزوده : سازمان تبلیغات اسلامی ، شرکت چاپ و نشر بین الملل
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ / م ۳۳۰ / BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۶۲
 شماره کتبشناسی ملی : ۲۳۴۸۹۵۳

شرکت چاپ و نشر بین الملل



شرکت چاپ و نشر بین الملل

دفتر مرکزی:

تهران : میدان استقلال
 سدهی جنوبی - بلاک ۲ - طبقه سوم

تلفن: ۳۳۹۲۳۹۵۹ - ۰۲۱

نمابر: ۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی:

میدان فلسطین - ضلع شمال شرقی ، بلاک ۴ و ۵

تلفن: ۸۸۹۲۱۹۸۰ - ۰۲۱

نمابر: ۸۸۹۰۲۸۴۳

E-mail:

intlpub@intlpub.ir

www.intlpub.ir

نام کتاب: بهائیت
 مولف : س . ج . م . لردگانی
 با همکاری : پژوهشکده باقر العلوم (ع)
 نوبت چاپ: سوم - بهار ۱۳۹۱
 لیتوگرافی: الوان
 چاپ و صحافی: سپهر
 شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۶۰۰۰ ریال
 ویراستار: عبدالحسین احمدی
 مسئول تولید: شریف شایسته
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۴۱۸-۳

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	فصل اول: پیشینه بهائیت
۴	(۱) پیدایش بابیه
۷	(۲) سرگذشت سید علی محمد باب پس از دعوی بابیت
۷	ماجرای مسجد وکیل شیراز
۹	ماجرای توبه مجدد باب
۱۳	(۲) تاریخچه فرقه بهائیت
۱۴	زندگی حسینعلی نوری
۱۵	کرایش حسینعلی نوری به باب
۱۴	اختلاف بر سر جانشینی باب
۱۷	برگ بهاءالله و تشدید اختلافات
۱۹	اختلاف بعد از اختلاف
۲۱	فصل دوم: عقاید بهائیت
۲۲	(۱) عقیده بابیان و بهائیان درباره توحید
۲۴	(۲) عقیده بابیان و بهائیان درباره نبوت
۲۶	نمای نبوت در آئین باب و بهاء
۳۱	(۳) برخی احکام بابیت و بهائیت
۳۱	تکام سیدعلی محمد شیرازی (باب)
۳۳	تکام میرزا حسینعلی نوری (بهاء)
۳۵	فصل سوم: رابطه بهائیت با استعمار
۳۷	(۱) بهائیت و روسیه
۳۹	(۲) بهائیت و انگلیس

۴۲	بهنائیت و آمریکا
۴۶	بهنائیت و اسرائیل
۵۴	مدارک ارتباط بهنائیت با اسرائیل در زمان شوقی افندی
۶۰	علل حمایت شوقی افندی از تشکیل رژیم صهیونیستی
۶۲	علل حمایت اسرائیل از بهنائیت

فصل چهارم: تبلیغ و شیوه های تبلیغی بهنائیت — ۶۵

۶۶	۱) جایگاه تبلیغ در بهنائیت
۶۷	۲) اصول و شیوه های تبلیغ در بهنائیت
۶۷	تبلیغ فردی (انفرادی):
۷۱	تبلیغ گروهی
۷۴	۳) برخی از شیوه های تبلیغی بهنائیان
۷۴	الف) پیدا کردن افراد با استعداد
۷۵	ب) تشکیل جلسات در منازل (بیوت تبلیغی)
۷۶	ج) مؤسسه های تبلیغی
۷۹	د) استفاده از طرح روحی
۸۵	۴) ابزارهای تبلیغی بهنائیت
۸۵	الف) راه اندازی سایت های اینترنتی
۸۶	ب) تلویزیون و ماهواره
۸۷	ج) ضرب انواع طلا و پلاک
۸۸	کلام آخر
۸۹	فهرست منابع

مقدمه



فرقه‌سازی از دیرباز به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد برای خنثی کردن نیروهای فعال در بدنهٔ یک جامعه به شمار می‌رود. دولت‌های استعمارگر با استفاده از این اهرم، ضمن ایجاد رخنه و شکاف در جامعه و تضعیف پایه‌های مردمی کشورها، بر هویت و فرهنگ مردم خیمه زده و ثروت‌های آنان را تاراج می‌کردند.

در دوران اخیر نیز غربی‌ها با همان اهداف کهنه، تمام توان خود را به کار بسته‌اند تا با تکیه بر برنامه‌های فرهنگی، تکنولوژی جنگی، ترور، قشون‌کشی، جوسازی، شایعه‌پراکنی، حزب‌سازی، دین‌تراشی و حمایت از گروه‌های ملحد و منافق، شیوه‌های جدیدی از زورگیری را بر ممالک به ویژه دنیای اسلام تحمیل کنند.

بر انسان‌های آگاه و بصیر پوشیده نیست که دولت‌های استعمارگر برای حفظ و نگاه‌داری قدرت و حکومت خود در میان سایر ملت‌ها، پیوسته به انواع تنه‌ها و دسیسه‌های خائنانه توسل می‌جویند تا ملت‌های آزادی‌خواه و بزرگ را به کلی از هستی و شخصیت ساقط کنند و روحیه‌ی استقلال‌طلبی را در آنها ضعیف نمایند و نسل جوان و نوجوان را دچار حرافات فکری و عقیدتی نمایند.



بهائیت هم از جمله همین حرکت‌ها بود که در دوران مشروطه و در عالم تشیع از سوی دول استعمارگر ایجاد گردید تا با تضعیف ارکان شیعه فرصت را برای سلطه خود فراهم آورند. این جریان شیطانی با استفاده از ادبیات دینی به تمام مقدسات یورش برده و با هدف قرار دادن اندیشه، تاریخ، شرعیت و علمای شیعه و با ایجاد شکاف در میان مردم اقدام به نفوذ در ارکان سیاسی دولت ایران کرده و فضای مناسبی برای توسعه فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی خود فراهم کردند.

گرچه با حرکت انقلاب اسلامی ایران این حزب وابسته سیاسی به حاشیه رانده شد؛ اما بار دیگر با مساعد شدن فضای سیاسی و با حمایت صهیونیسم جهانی و اسرائیل و بعضی از دولت‌های بیگانه بر فعالیت‌های خود افزوده و تلاش برای رخنه در چهارچوب نظام را شدت بخشیده‌اند که با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و رادیویی و صدها سایت و بلاگ اینترنتی به زبان‌های مختلف و با تأسیس مؤسسات خیریه شروع به تبلیغات گسترده نموده است؛ از همین رو بر متولیان فرهنگی لازم است با برنامه منظم، منسجم و هدف‌مند، و با آگاهی بخشی به نوجوانان و جوانان، آنان را از گرفتار شدن در دام مسلک‌های ساختگی از جمله بهائیت آگاه سازند.

س.ح.م. لردگانی

بهار ۱۳۹۰



فصل اول: پیشینہ بہائیت





(۱) پیدایش بایه

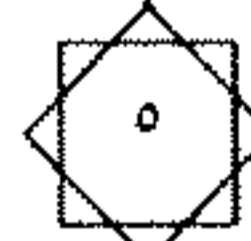
سیدعلی محمد شیرازی محوری‌ترین شخصیت قصهٔ باییت و آغازگر داستانی است که هر سطرش رنج‌نامه‌ای برای ایران و اسلام است. وی در اول محرم سال ۱۲۳۵ هـ.ق در شهر شیراز به دنیا آمد و در سن کودکی پدر خود را از دست داد و سرپرستی او را دایی‌اش بر عهده گرفت و او نیز مانند دیگران، علی‌محمد را برای فراگرفتن خواندن و نوشتن، به مکتب‌خانه‌ای در محل قهوه اولیاء فرستاد.^۱ معلم مکتب‌خانه، فردی به نام شیخ محمد عابد بود که خود از شاگردان شیخ احمد احسائی^۲ و سیدکاظم



۱. عبدالحسین آیتی، الکواکب الدریه، صص ۳۱-۳۰.

۲. احسانی شیخ احمدبن زین‌الدین بن ابراهیم معروف به شیخ احمد احسانی بنیانگذار مکتب شیخی‌گری بود. وی گرچه از جمله عالمان محسوب می‌شد؛ اما به دلیل عقائد غلوگونه و اغراق‌آمیز به راه انحراف کشیده شد و شاگردان او از جمله سیدکاظم رشتی تأثیر به‌سزایی در ترویج اعتقادات او داشتند. همین عقاید نادرست باعث شد تا بعدها عده‌ای با سوء استفاده از این باورهای نادرست، ادعاهای نابجا و دروغینی را مطرح کنند. از اعتقادات این مکتب می‌توان به چند نمونه اشاره کرد: ۱- امام زمان (عج) روی زمین زندگی نمی‌کند؛ بلکه در عالم





رشتی محسوب می‌شد و همین امر موجب شد تا تفکرات او در علی محمد شیرازی تأثیر به‌سزایی بگذارد. وی پس از سپری کردن دوران مکتب‌خانه، در سن ۱۵ سالگی به همراه دایی خود به کار تجارت مشغول شد؛ اما برخلاف میل دایی خود تجارت را رها کرد و در سن ۲۰ سالگی تحت تأثیر معلم خود، به کربلا رفت و مدتی در درس سید کاظم رشتی حضور پیدا کرد.^۱ بعد از وفات سید کاظم رشتی و به دنبال اعتقادات نادرست وجود رکن رابع^۲، سید علی محمد شیرازی در شب پنجم جمادی الاول ۱۲۶۰ ه. ق ادعای «بابیت»^۳ کرد و به

دیگری است که هر وقت بخواهد در روی زمین ظاهر شود، باید خاصیت زمینی پیدا کند. ۲- در هر زمان باید کسی باشد که به او رکن رابع می‌گویند؛ یعنی شخصی که واسطه میان مردم و امام زمان (عج) است. البته این عقاید، مخالف با اعتقادات ما است، چرا که در روایات ما فراوان گفته شده است که امام زمان روی زمین زندگی می‌کند و در میان مردم است و هر کس لیاقت دیدار با حضرت را داشته باشد، بدون واسطه او را زیارت می‌کند و خود امام زمان (عج) فرمودند که بعد از غیبت صغری، هر کس ادعا کند که واسطه من و مردم است، سخن او را نپذیرید، و در زمان غیبت کبری فقط مجتهدین واجدالشرائط و کیل من در روی زمین هستند، و هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که با امام زمان (عج) در ارتباط است و هر وقت بخواهد می‌تواند با او دیدار داشته باشد.

۱. فاضل مازندرانی، اسرار الآثار، ج ۱، حرف الف، ص ۱۹۱.
۲. رکن رابع از عقاید مکتب شیخیه است. آنها معتقدند در هر زمانی یک نفر که شیعه کامل نام دارد، واسطه بین مردم و امام زمان است.
۳. «باب» در زبان عربی یعنی «در» و مقصود سید علی محمد شیرازی از ادعای بابیت این بود که بگوید من همان واسطه و دری هستم که با امام زمان در ارتباط است. این ادعا ریشه در عقیده رکن رابع داشت.

کمک عده‌ای دیگر از شاگردان سید کاظم توانست بر سایر رقبای خود که آنها نیز ادعای جانشینی سید کاظم را داشتند پیروز شود. سید علی محمد گرچه قبلاً ادعا می‌کرد که من از مریدان امام زمان (عج) هستم؛^۱ اما این بار با سردادن ادعای «باییت» خود را واسطه ارتباط مردم با امام زمان می‌دانست و از آن لحظه به بعد سید علی محمد شیرازی به «سید باب» مشهور شد. از این رو، شهادت به باب بودن خود را جزء اذان قرار داد و اعلام کرد از این پس، بعد از شهادت به ولایت علی علیه السلام به باییت من نیز شهادت بدهید.^۲



۱. سید علی محمد باب، احسن القصص، اثر خود باب، سوره ۵۸
۲. باب می‌گفت بعد از شهادتین بگویند «أشهد أن علیاً قبل نبیل باب بقیه الله»؛ یعنی شهادت می‌دهم که علی محمد باب و واسطه امام زمان است. (تاریخ نبیل، اشراق خاوری، ص ۱۳۰)؛ مقصود از «علیاً قبل نبیل» همان علی محمد باب است.



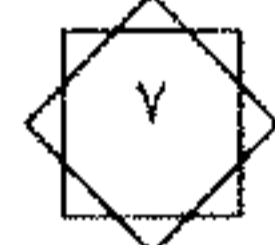
۲) سرگذشت سید علی محمد باب

پس از دعوی باییت

مدتی سپری شد و گویا بازار ادعاهای سیدباب تمامی نداشت. او با چهره فریبنده، عده‌ای را به گرد خود جمع کرده بود؛ بنابر این فرصت را غنیمت شمرد و کم‌کم مدعی شد که من همان امام زمان هستم که منتظر ظهورش بودید و از این به بعد خود را «قائم» نامید و ادعای قائمیت کرد.^۱

ماجرای مسجد وکیل شیراز

همان‌طور که خواندید، سیدعلی محمد باب، هر چند وقت یک‌بار، ادعای جدیدی را مطرح و عده‌ای را به دور خود جمع می‌کرد و با این کار موجب اغتشاش در کشور و بر هم زدن آرامش مردم شده بود. از طرف دیگر با این ادعاها عملاً با دین مبین اسلام و آخرین فرستاده خداوند، حضرت



۱. میرزا جانی کاشانی، نقطه‌الکاف، ص ۲۵۲.

محمد ﷺ - که طبق آیات متعدد قرآن، بعد از او دیگر هیچ پیامبری نخواهد آمد^۱ - مخالفت کرد. همین موضوع باعث شد تا مردم به رهبری علماء دست به اعتراض علیه ادعاهای پوچ علی محمد باب بزنند و صدای خود را در این خصوص به گوش حکومت وقت برسانند. این مسأله ادامه داشت تا اینکه قرار شد مناظره و جلسہ پرسش و پاسخی با حضور برخی از علمای شیعه که در شیراز ساکن بودند تشکیل شود و از علی محمد باب سؤالاتی را بپرسند تا اگر ابهامی در ذهن برخی از افراد وجود داشت برطرف شود. این جلسہ تشکیل و سؤالات مختلفی حول ادعاهای علی محمد باب از طرف علماء مطرح شد؛ اما وی از عہدہ پاسخ به سؤالات برنیامد. از آنجایی که او گاه ادعای پیامبری و گاه ادعای خدایی کرده بود، حکم کفر او توسط برخی از علماء صادر شد؛ اما عده دیگری از علمای حاضر در مجلس چون احتمال می دادند علی محمد باب از نظر عقلی دچار مشکل است و حالت دیوانگی خاصی دارد، از دادن حکم کفر صرف نظر کردند و گفتند

۱. مانند آیه ۴۰ از سوره احزاب: «ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول اللہ و خاتم النبیین ...؛ محمد پدر یکی از مردان شما نیست؛ بلکه او خاتم الانبیاء و آخرین فرستاده و پیام آور خداست.»



همین اندازه که «باب» در مسجد وکیل و در حضور مردم از گفته‌های خود توبه نماید، کافی است؛ از همین رو سیدباب بالای منبر رفت و صدا زد: لعنت خدا بر کسی که من را وکیل امام غائب بداند، لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام زمان بداند، لعنت خدا بر کسی که بگوید من منکر خدایم، لعنت خدا بر کسی که بگوید من ادعای دین جدیدی نموده‌ام...^۱ به این ترتیب «باب» از تمامی ادعاهای خود دست برداشت و توبه نمود.

ماجرای توبه مجدد باب

بعد از ماجرای مسجد وکیل شیراز، باب از شیراز به اصفهان مهاجرت کرد و مورد استقبال حاکم ارمنی و وابسته به حکومت روس - به نام منوچهرخان - قرار گرفت.^۲ منوچهرخان از طرف دولت روسیه مأمور شده بود تا از علی محمد باب حمایت کرده و از او به عنوان فردی برای ایجاد اختلاف در بین مسلمین - به خصوص شیعیان - استفاده نماید؛ زیرا باب کسی بود که ادعای دین جدید داشت و مدعی نبوت بود و این امر

۱. عبدالحمید اشراق خاوری، تاریخ نبیل، اشراق خاوری، ص ۱۳۱ (تلخیص).

۲. عبدالحسین آواره، کواکب الدریه، ص ۶۸.



می‌توانست نقطه‌ای جهت سودجویی روسیه که دشمن اسلام محسوب می‌شد، باشد. به هر حال این استقبال به عمل آمد و حمایت کامل منوچهرخان، حاکم اصفهان به حدی رسید که وقتی مردم اصفهان از حضور علی محمد باب در آنجا مطلع شدند، دست به اعتراض گسترده‌ای زدند. با دستور حکومت مرکزی او را از اصفهان به سوی آذربایجان تبعید نمودند. علی محمد باب مدتی را در قلعه ماکو و چهریق زندانی بود. وی از زندان به طور پنهانی با پیروان خود در ارتباط بود، و همین امر موجب شد که پیروانش در اثر تحریک او، دست به شورش و کشت و کشتار مردم بی‌گناه آن منطقه بزنند. حکومت مرکزی برای رفع این غائله، باب را از ماکو به تبریز برد و بار دیگر مجلسی با حضور علمای تبریز و ناصرالدین میرزای ولی عهد تشکیل شد.

باب برای بار دوم هم نتوانست هیچ کدام از سوالات مطرح شده را پاسخ دهد و دوباره از ادعاهای خود توبه کرد و این بار با دست خط خود توبه‌نامه‌ای را نوشت و آن را به ناصرالدین میرزا داد.

متن توبه‌نامه به شرح زیر می‌باشد:

«فداک روحی الحمدالله کما هو اهل و مستحقه که ظهورات فضل و رحمت





بپرايه



۱۱



خود را در هر حال بر کافه عباد خود شامل گردانیده. بحمدالله ثم الحمدلله که مثل آن حضرت را ینبوع رأفت و رحمت خود فرموده که به ظهور عطوفتش عفو از بندگان و تستر بر مجرمان و ترحم بر یاغیان فرموده. شهدالله من عنده که این بنده ضعیف را قصدی نیست که خلاف رضای خداوند عالم و اهل ولایت او باشد. اگر چه بنفسه وجودم ذنب صرف است ولی چون قلبم موفق به توحید خداوند جلّ ذکره و نبوت رسول او و ولایت اهل ولایت اوست و لسانم مقرر بر کل ما نزل من عندالله است، امید رحمت او را دارم و مطلقاً خلاف رضای حق را نخواسته‌ام و اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده از قلمم جاری شده، غرضم عصیان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط به ادعایی باشد، استغفرالله ربی و اتوب الیه من ان ینسب الی الامر و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجت‌الله علیه‌السلام را محض ادعای مبطل و این بنده را چنین ادعایی

نبوده و نه ادعای دیگر، مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آن حضرت چنانست که این دعاگو را به الطاف و عنایات بساط رأفت و رحمت خود سرافراز فرمایند، والسلام»^۱.

بعد از آن مجلس، که در حضور ولیعهد برگزار شد، مدت زیادی سپری نشد که دوباره سیدباب ادعاهای خود را از سر گرفت و این پیامبر دروغین و ترسو به حکم ارتداد و اغتشاش و به دستور امیرکبیر، در روز ۲۷ شعبان سال ۱۲۶۶ قمری در میدان تبریز به دار مجازات آویخته شد،^۲ که بعدها طرفداران باب به تلافی این اقدام شجاعانه، با دسیسه و توطئه چینی، امیرکبیر را در حمام فین کاشان به شهادت رساندند.



۱. متن این توبه‌نامه خوشبختانه در یکی از کتاب‌های معتبر بهائیان، با نام کشف‌الغطاء نوشته ابوالفضل گلپایگانی وجود دارد. نسخه خطی و اصلی توبه‌نامه اکنون در صندوق اداره کارپردازی مجلس شورای اسلامی قابل مراجعه و ملاحظه است که ابوالفضل گلپایگانی مبلغ مشهور بهائی متن توبه‌نامه را در کتاب کشف‌الغطاء ص ۲۰۴ آورده است. در ضمن تصویر این توبه‌نامه در قسمت ضمیمه کتاب آمده است.

۲. تاریخ نبیل، اشراق خاوری (تلخیص).



(۳) تاریخچه فرقه بهائیت

همان‌طور که دانستیم، در مدتی که باب در زندان به سر می‌برد، عده‌ای از پیروان او دست به شورش و قیام علیه حکومت و هم‌چنین کشت و کشتار مردم بی‌دفاع و بی‌گناه می‌زدند، به طوری که بعدها کار به جایی رسید که برخی از این افراد - از جمله شخصی به نام حسینعلی نوری - قصد ترور شاه قاجار را کردند که این ترور ناموفق از کار در آمد و عوامل آن دستگیر و محکوم به اعدام شدند؛ اما مهره اصلی این توطئه - یعنی حسینعلی - نوری با وساطت دولت روسیه و فشار سیاسی آن کشور بر حکومت ایران جان سالم به در برد و در نهایت به همراه برادرش میرزا یحیی نوری با بدرقه سفارت‌خانه روس به کشور عراق تبعید شد.^۱ حسینعلی نوری، پس از ورود به بغداد روانه سلیمانیه

۱. زرندی، تلخیص تاریخ نبیل، ص ۶۱۸

شد و به مدت دو سال به لباس درویش درآمد و در طول این مدت به صورت یک درویش تمام‌عیار زندگی کرد. او پس از این مدت دوباره به بغداد برگشت.

زندگی حسینعلی نوری

حسینعلی نوری معروف به «بهاءالله» بنیان‌گذار فرقه بهائیت است. وی در سال ۱۲۳۳ هـ. ق در تهران به دنیا آمد. پدر او میرزا عباس نوری، از منشیان حکومت قاجار بود.^۱ حسینعلی نوری به دلیل تمکن مالی پدر و وضعیت شغلی او، از کودکی نزد پدر و بستگان و معلمان خصوصی به فراگیری علوم و فنون مقدماتی ادب فارسی و عربی پرداخت؛ به همین دلیل از رفتن به مدرسه بی‌نیاز شد.^۲

گرایش حسینعلی نوری به باب

میرزا حسینعلی نوری در سن ۲۸ سالگی، در پی تبلیغ اولین پیرو باب - ملاحسین بشرویه‌ای - به باب گروید و از فعالان ترویج بابی‌گری شد. وی برخی از برادران خود را نیز به سوی بابی‌گری کشاند و آنها نیز از پیروان باب شدند.^۳

۱. زعیم الدوله، مفتاح باب و الابواب، ص ۲۱۶ و عبدالحسین آواره،

کواکب الدریه، ص ۲۵۶

۲. عبدالحسین آواره، کواکب الدریه، ص ۲۵۶-۲۵۷

۳. زرندی، تلخیص تاریخ نبیل، ص ۸۵

اختلاف بر سر جانشینی باب

همان‌طور که دانستیم، حسینعلی نوری بعد از دو سال گذران عمر در کوه‌های سلیمانیه به بغداد بازگشت. طبق وصیت‌نامه باب، برادر حسینعلی نوری، میرزا یحیی (که ملقب به صبح ازل بود) جانشین باب محسوب می‌شد^۱ و در طی این سال‌ها نیز حسینعلی بارها و بارها ارادت خود را نسبت به برادرش ابراز کرده بود؛ اما این بار اوضاع کاملاً عوض شده و شرایط برای مخالفت با برادر مهیا شده بود. بر این اساس حسینعلی نوری ادعای «مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ»^۲ را سر داد. اختلاف بر سر جانشینی

۱. طبق وصیت‌نامه باب، میرزا یحیی (صبح ازل) برادر حسینعلی جانشین باب محسوب می‌شد و این وصیت‌نامه در مقدمه کتاب نقطه‌الکاف آمده است: «هذا كتاب من علي قبل نبيل، ذكر الله العالمين الى من يعدل اسمه اسم الوحيد ذكر الله العالمين... ان يا اسم الوحيد فاحفظ منازل في البيان و اثر ربه فانك لصراط حق عظيم».

ترجمه: این نامه‌ای از علی قبل نبیل (مقصود همان علی محمد است) که ذکر خدا برای جهانیان است، به سوی کسی که نامش مطابق وحید است (طبق حروف ابجد «وحید» مطابق «یحیی» است) بگو همه از نقطه‌ی بیان ابتدا می‌شوند، ای نام وحید (صبح ازل) حفظ کن آنچه را که در بیان نازل شد، و به آن امر کن (یعنی بعد از باب صبح ازل مسوول امر و نهی است) پس تو در راه حق بزرگ هستی.

۲. مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ یعنی کسی که خدا او را آشکار می‌کند، این عنوانی بود که باب، برای موعود آینده انتخاب کرده بود و طبق وصیت باب قرار بود، کسی که ادعای مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ می‌کند تا حدود دوهزار سال بعد ظهور کند (بیان فارسی، علی محمد شیرازی باب ۱۳ از واحد سوم و باب ۱۷ از واحد دوم کتاب بیان فارسی)





باب بالا گرفت. طرفداران حسینعلی نوری، «بهایی» نام گرفتند و طرفداران میرزا یحیی نیز به «ازلی» معروف شدند. کشتار شدیدی بین طرفداران این دو برادر رخ داد و آن قدر قتل و ترورها از دو طرف شدت گرفت^۱ که دولت عثمانی، آنها را از بغداد به استانبول و از آنجا به ادرنه تبعید کرد. این اختلافات، کشتارها و ناسزا گفتن‌ها تمامی نداشت و آن قدر طرفداران این دو برادر به جان هم افتادند^۲ که سلطان عثمانی، حسینعلی نوری (بهاءالله) را با اصحابش به سوی عکا^۳ و میرزا یحیی (صبح ازل) را هم به همراه اصحابش به ماغوسای قبرس تبعید کرد.^۴

حسینعلی نوری (بهاءالله) با زیرکی تمام و فریب کاری، فرجام امور را به دست گرفت و با ادعای پیامبری، عملاً آیین بابی‌گری را که هنوز چند سالی از عمر آن نگذشته بود، منسوخ اعلام

۱. عبدالحمید اشراقی خاوری، مائده آسمانی، ج ۷، ص ۱۳۰.
 ۲. سرچشمه این اختلافات از سوی این دو برادر آغاز شده بود؛ به طوری یکدیگر را به بار فحش و ناسزا گرفته بودند، گاه یکدیگر را، گاو، خر، گوساله، مار، مگس و حرامزاده خطاب می‌کردند و گاه عیوب جسمانی مانند باد فتق و رعشه دست را به رخ دیگری می‌کشیدند. (عبدالحمید اشراقی خاوری، مائده آسمانی، جزء یکم، ص ۴۰؛ و تنبیه‌النائمین، ص ۱۹ و ص ۶۵).
 ۳. یکی از شهرک‌های صهیونیست‌نشین امروزی.
 ۴. حقیق مختوم، اشراق خاوری، ج ۱، ص ۱۹۲.

کرد و خود را پیامبر جدید معرفی کرد و فرقه بهائیت را رسماً بنیان نهاد. این فرقه فوراً از جانب دولت روس به رسمیت شناخته شد و همه امکانات لازم برای تسهیل امور در اختیار بهاءالله قرار گرفت و اولین معبد این فرقه گمراه (مشرق‌الاذکار) در شهر عشق آباد ایجاد شد. بهاءالله مدت ۹ سال در عکا تحت نظر بود و پانزده سال بقیه عمر خود را نیز در همان جا سپری کرد و در سال ۱۳۰۹ هـ ق پس از بیست شبانه‌روز تب از دنیا رفت.^۱ وی در همان جا دفن شد که امروزه پیروان (بهائیان) به سوی قبر او نماز می‌خوانند و قبر بهاءالله را قبله خود قرار داده‌اند.

مرگ بهاءالله و تشدید اختلافات

بعد از مرگ بهاء - برخلاف وصیت‌اش بر عدم اختلاف - نزاع و کشمکش شدیدی بر سر جانشینی او میان فرزندانش روی داد، گویا آنها نیز از آنچه از پدر و رفتار او با برادرش دیده بودند، تأثیر گرفته و یکدیگر را فحش و ناسزا می‌گفتند.^۲ عباس افندی و محمدعلی گاه یکدیگر را با الفاظی چون پشه،

۱. بهائیت در ایران، دکتر سیدسعید زاهد زاهدانی، ص ۱۵۰.

۲. توقیعات مبارکه، شوقی افندی، لوح قرن، ج ۱، ص ۱۰۳، به نقل از

بهائیت در ایران، ص ۲۲۲.





سوسک، کرم خاکی، جغد و گاه با الفاظی چون الاغ و گوساله خطاب می کردند. سرانجام بعد از این درگیری‌ها، فرزند ارشد بهاء‌الله یعنی عباس افندی بر اوضاع مسلط شد و امور بهائیان را به دست گرفت. عباس افندی بعدها به «عبدالبهاء» معروف شد. وی در جریان جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۷م) خدمات بسیاری برای انگلستان انجام داد؛ به طوری که پس از پایان یافتن جنگ، دولت انگلستان به پاس خدمات عباس افندی طی مراسمی، لقب سِر (Sir) و نشان «نایت هود» که بزرگ‌ترین نشان خدمت‌گذاری به انگلیس است را به وی اعطا کرد و او نیز پیامی را در تعریف و تمجید امپراتوری ژرژ پنجم (شاه وقت انگلستان) صادر نمود.^۱



عباس افندی، سفرهای متعددی به آمریکا و انگلستان داشت و تحت تأثیر فرهنگ غرب، قرار گرفته و افکاری کاملاً غربی پیدا کرده بود. وی در سال ۱۳۴۰ هـ ق از دنیا رفت و با حضور نمایندگان دولت انگلستان^۲ در حیفا^۳ دفن شد.



۱. صبحی، پیام پدر، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. قرن بدیع، ج ۳، ص ۳۲۷ و ۳۲۱.

۳. از شهرهای صهیونیست‌نشین امروزی.



اختلاف بعد از اختلاف

عباس افندی (عبدالبهاء) به هنگام مرگ، فرزند پسر نداشت و با اینکه برادرش «محمدعلی افندی» زنده بود؛ اما ریاست امور بهائیان را به نوه دختری خود یعنی شوقی افندی^۱ واگذار کرد و طبق وصیت او، این ریاست دائماً و به طور موروثی در فرزندان ذکور (پسرها) ادامه پیدا می کرد؛^۲ اما برخلاف پیش بینی عبدالبهاء، شوقی افندی عقیم بود و هیچ فرزندی از او به وجود نیامد؛ لذا بعد از مرگش اختلاف عجیبی میان بهائیان واقع شد و گروهی به ریاست معنوی زن آمریکایی شوقی (بنام روحیه ماکسول) معتقد شدند، و باب ریاست امور بهائیان را که «ولایت امر» نام داشت، برای ابد مسدود اعلام داشتند.

۱. شوقی افندی به تقلید از اروپائیان، به بهائیت، شکل حزبی و تشکیلاتی داد. او شخص فاسد و لاپتالی بود که همین امر موجب شد برخی از مبلغین درجه یک بهائی از بهائیت دست کشیده، به آغوش اسلام برگردند.

۲. مفاوضات، ص ۴۵ و ۴۶؛ نظر اجمالی، ص ۶۶

فصل دوم: عقاید بهائیت





۱) عقیده بایمان و بهائیان درباره توحید

از نظر آئین پاک اسلام مبدأ جهان و جهانیان یکی است. پروردگار متعال تنهاست و شریک ندارد و همه چیز تحت اختیار خداوند متعال می‌باشد و موجودات جهان همه آفریده پروردگارند. مبارزه با بت پرستی و خرافه پرستی، برنامه همیشه‌گی اسلام است و نخستین شعار آن هم این بود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا؛ بگوئید نیست معبودی جز خدای یکتا، تا رستگار شوید».

بهائیان خود را موحد و خداپرست معرفی می‌کنند و مدعی هستند که بهاء‌الله خدا نیست و او بنده‌ای از بندگان خدا می‌باشد؛ اما با بررسی نوشته‌های سیدعلی محمد باب و میرزا حسینعلی نوری و جانشینان او به نتیجه‌ای غیر از آنچه ادعا دارند می‌رسیم و می‌بینیم که اینها خود را خدا



می‌دانند که در اینجا به چند مورد از ادعاهای آنان می‌پردازیم:

● سید علی محمد باب در نامه خود به میرزا یحیی (صبح ازل) چنین می‌نویسد: «این نامه‌ای است از خدای زنده و برپادارنده جهان (باب) و برپا دارنده جهان (صبح ازل)».^۱

● سید علی محمد باب می‌گوید: «من همان خدایم. خدایی جز من نیست. من اولین کسی هستم که اولی برای او نیست. فرد و منفرد هستم.»^۲

سید علی محمد باب از این گونه اراجیف شرک‌آلود بسیار دارد؛ اما به همین مقدار اکتفا می‌شود، و اما رهبر بهائیان حسینعلی نوری در کتاب‌هایش در موارد زیادی ادعای خدایی کرده است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

● حسینعلی بهاء در کتاب بدیع چنین می‌گوید: «خدایی جز من نیست.

۱. هذا الكتاب من الله الحي القيوم الى الله الحي القيوم (اصل این نامه را ادوارد براون انگلیسی ضمیمه کتاب نقطه الکاف کرده است).

۲. انسی انا الله لا اله الا كنت من اول الذی لا اول فردا منفرداً (مصطفوی، محاکمه و بررسی باب و بهاء، ج ۳، ص ۲۴۳).





همان گونه که سید باب قبل از من چنین گفت و نیز همان گونه که کسی که بعد از من می آید، چنین خواهد گفت.^۱

• وی در قصیده ورقائیه می گوید: «یعنی همه خدایان از آثار فرمان من خدا شدند و همه خدایان از لبریز حکم من خدا گشتند».

با توجه به ادعاهای مطرح شده توسط سید علی محمد شیرازی (باب) و میرزا حسینعلی نوری (بهاء) و پیروانش، خودشان خدا هستند و تمام موجودات آفریده های آنها می باشند تا جایی که می بینید در جمله بالا آنها خودشان را خدا می سازند و می آفرینند. بهاء الله در کتاب اقدس، صفحه ۲۵، سطر ۸، صفحه ۲۶، سطر ۲ و ۸ در صفحات ۲۹، ۳۵، ۳۶، ۴۳ و ۴۵ همین ادعاها را مطرح می کند^۲ که به همین مقدار از این اراجیف و بافندگی های موهوم اکتفا می شود.

۱. انه يقول حينئذ اننى انا الله لا اله الا انا كما قال النقطه من قبل و بعينه يقول من ياتى من بعد (حسين على نوري بدیع، ص ۱۵۴).
 ۲. حسینعلی نوری، اقدس، ص ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۵، ۳۶، ۴۳ و ۴۵.



۲) عقیده بایان و بهائیان درباره نبوت

یکی از اصول دین اسلام نبوت است که هر مسلمانی باید بعد از اعتقاد به وجود خدا و یگانه‌بودن آن به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعتقاد داشته باشد؛ به طوری که اگر کسی شهادت به نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ندهد، مسلمان نیست. پیغمبر و نبی فردی از افراد انسان است که به واسطه اعمال صالح و نیت خالص و صفات پسندیده و اخلاق کریمه‌اش، مورد لطف و عنایت خداوند متعال قرار گرفته و از نظر دین مبین اسلام، پیامبر بنده خدا و بشری مانند دیگران است. تنها امتیازی که او دارد این است که از جانب خدا به او وحی می‌شود. پیامبر باید برای صدق ادعای خودش معجزه داشته باشد؛ از همین رو هر کدام از انبیای گذشته دارای معجزه‌ای بودند که با استناد به آن ادعای مقام نبوت می‌کردند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که

افضل پیامبران و خاتم ادیان الهی و آخرین پیامبر خداست؛ علاوه بر معجزات بسیار زیاد، دارای معجزه‌ای جاوید و همیشگی یعنی قرآن کریم می‌باشد که تا روز قیامت هیچ احدی از جن و انس قادر نخواهد بود که همانند آن و حتی همانند سوره‌ای از آن بیاورد؛ ولی نبوت در آئین باب و بهاء مساوی با یک مشت بافندگی، پریشان‌گویی، افسانه و سخن پراکنی‌های خنده‌آور، بی‌اساس و ضد و نقیض است. باب و بهاء خود را در ردیف پیامبرانی مانند: موسی، عیسی، ابراهیم و نوح : بلکه بالاتر از آنها قلمداد می‌کنند؛ ولی غیر از گمراهی بشر هیچ‌گونه نجات و روزنهٔ سعادت در گفتار و کردار و برنامه‌های آنان نیست.

ادعای نبوت در آئین باب و بهاء

سید علی محمد شیرازی (باب) در نبوت خود کتابی به نام بیان^۱ نازل می‌کند. وی چون عاجز از تکمیل آن می‌شود، وصیت می‌کند ادامه آن را میرزا یحیی (صبح ازل) جانشینش تکمیل نماید، که این مسأله واقع نشد و سید علی محمد با آوردن احکام نو و

۱. کتاب بیان مهم‌ترین کتاب علی محمد شیرازی است که مشتمل بر احکام و برخی فلسفه‌بافی‌های بی‌اساس است.

جدید خود را ناسخ اسلام و احکام اسلام دانسته و کتاب بیان را به جای قرآن قلمداد کرده است، و در آن خود را پیامبر معرفی می‌کند.

وی در کتاب دیگرش باز خود را به جای پیامبر قرار داده و می‌گوید: «اگر در آنچه که خداوند بر بنده ما (باب) نازل کرده شک دارید، چند حرف مانند آن بیاورید.»^۱

همچنین میرزا حسینعلی نوری (بهاء) در یکی از کتاب‌هایش به پیامبری خود اشاره کرده و می‌گوید: «ای خدا من آنها را دعوت نکرده‌ام جز به چیزی که تو مبعوثم نموده‌ای.»^۲

وی در یکی دیگر از کتاب‌هایش به نام اقدس در صفحات ۱۴۵ و ۱۴۹ و ۱۶۱ و ۱۶۴ چنین ادعاهایی را مطرح کرده است و فرزند حسینعلی نوری یعنی عباس افندی او را از همه پیامبران بالاتر قرار داده است.^۳

اما گفتیم که یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت انبیای الهی و تشخیص راستی ادعای آنان معجزه است؛ از همین رو هر پیامبری که از طرف خدا

۱. وان کنتم فی ریب مما قد انزل الله علی عبدنا هذا فاتو حرف من مثله (علی محمد شیرازی، احسن القصص، سوره ۵۲).

۲. حسینعلی نوری، اقتدرات، ص ۲۱۳.

۳. عباس افندی، مفاوضات، ص ۱۲۴.



فرستاده شده است، باید معجزه داشته باشد و برای اثبات ادعای پیغمبری خود دست به کارهای خارق‌العاده بزند و مردم نیز معمولاً از مدعیان پیامبری درخواست معجزه می‌کردند. معجزات انبیاء در قرآن کریم ذکر شده است؛ همان طوری که قبلاً اشاره کردیم. پیامبر معجزات زیادی داشته که بعضی از آنها برای همان زمان بوده و از میان معجزات قرآن کریم برای همهٔ زمان‌ها تا روز قیامت می‌باشد.

پس لازمه ادعای نبوت داشتن معجزه است؛ اما بهائی‌ها برای اینکه موضوع معجزه را از میان بردارند و از این جهت در تنگنا قرار نگیرند، معجزاتی که از پیامبر نقل شده را تا می‌توانند رد و تضعیف می‌کنند و آنها را دور از عقل می‌شمارند.

بهائیان علاوه بر این کار معجزات سایر انبیاء را نیز آن طور که دلشان می‌خواهد تعریف می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند منظور از زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام زنده کردن قلب‌ها و دل‌های مرده است، و آیا بهائیان تا به حال از خود پرسیده‌اند که معجزات این پیامبران (باب و بهاء) چه بوده است.





معجزات باب و بهاء منحصر است در جمالات
عربی یا فارسی که دارای وزن و سبک خاصی است
و اسم آن را آیات گذاشته‌ند.

ما در اینجا به چند نمونه از معجزات (آیات باب
و بهاء) این پیامبران دروغین که به عنوان معجزه
صادر کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

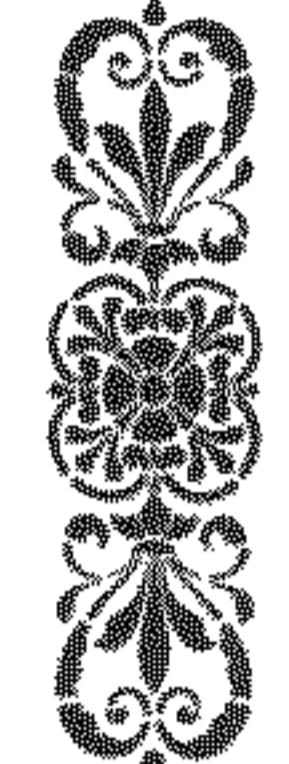
وقتی در مجلس ناصرالدین میرزا (ولیعهد
محمدشاه قاجار که در تبریز سکونت داشت) از سید
علی محمد باب طلب معجزه شد، پاسخ داد که
آیه‌ای را از برای عصای خود نازل می‌کنم و شروع
به خواندن کرد که اعراب آن متن عربی را اشتباه
خواند؛^۱ یعنی پیامبری که حتی اعراب صرف و نحو
را نمی‌داند.

سید باب می‌گفت: «مردم تا ابد قدرت نخواهند
داشت بعضی از حروف این آیات را بیاورند»؛ ولی
حسینعلی بهاء که یکی از مدیران او بود، چند سال
بعد آیاتی نازل کرد و گفت تمام کلمات سید باب با
یک کلمه از کلمات من مقابله نمی‌کند.^۲

این هم نمونه‌ای از معجزات باب و بهاء بود.
یکی از مبلغین بهائیت که از آنها روگردان و

۱. رضا قلی خان هدایت، تاریخ روضه الصفاء، صص ۹-۸۴۷.

۲. علی محمد شیرازی، احسن القصص، سوره ۵۲.

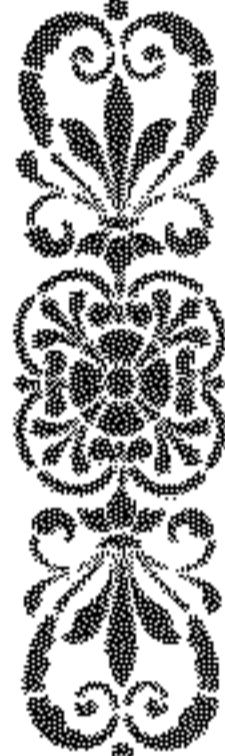


پشیمان شده و به دین اسلام مشرف شده، می گوید:
تنها مشکلی که پیش پای مبلغین بهائی پیدا
می شود دو موضوع می باشد: ۱. معجزه ۲. موضوع
خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.^۱

چون اینها (باب و بهاء) افراد عادی و بی سواد
بوده اند که کتابهای آنها پر از غلط می باشند و
همچنین چون هیچ معجزه ای ندارند، پس مجبورند
در این مورد صحبت نکنند و اما درباره خاتمیت
همه مسلمانان اعتقاد به خاتم بودن پیامبر اسلام
دارند و پیامبر اسلام را آخرین پیامبر می دانند و بعد
از او پیامبری نخواهد آمد و کسی که چنین ادعائی
داشته باشد کذاب و دروغگو است و این در قرآن
سوره احزاب آیه ۴۰ آمده است. و همچنین پیامبر
فرمود: «لا نبی بعدی»^۲ پیامبری بعد از من نخواهد
آمد. باب و بهاء نیز به این گفته ها اقرار کرده اند.

۱. فضل الله مهتدی صبحی، خاطرات انحطاط و سقوط، ص ۱۲۴.

۲. محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۵۵.



۳) برخی احکام باییت و بهائیت

کتاب های بهائیان مملو از احکامی است که که
آشنایی با آنها، به شناخت هر چه بیشتر این فرقه
انحرافی کمک خواهد کرد. در ذیل به برخی این
احکام اشاره می کنیم:

احکام سید علی محمد شیرازی (باب)

- سید علی محمد باب استعمال دارو برای
مریض را حرام اعلام کرده است.^۱
- در آیین باب درس خواندن و درس دادن
در هر رشته و علمی حرام است، مگر
آنچه خود باب نوشته باشد یا در ترویج
امر باییت بنویسند.^۲
- اگر زنی از غیر همسر خود باردار شود،
اشکال ندارد.^۳

۱. علی محمد باب، بیان فارسی، ص ۲۸۶

۲. همان، ص ۱۳۰.

۳. همان، ص ۳۲۲.



● سید علی محمد باب دستور داد، هرگاه از پیروان او به سلطنت رسید، احدی را از غیر پیروانش بر زمین باقی نگذارند (در این صورت کشتار و قتل عظیمی در زمین رخ خواهد داد و ناامنی همه جا را فرا خواهد گرفت).^۱

● هر فردی باید حداکثر هر ۱۲ یا ۱۴ روز یکبار کل موهای بدن را بتراشد و تمام بدن را با حنا رنگ کند.^۲

● سوار گاو نشوید و شیر خر نخورید.^۳

● کودکان را روی صندلی یا کرسی یا تخت بنشانید که از عمرشان حساب نشود.^۴

● دستور می‌دهد هر شخص بابتی حق ندارد بیش از ۱۹ جلد کتاب داشته باشد و اگر تخلف کند، یک مثقال طلا باید جریمه دهد.^۵

۱. همان، ص ۲۶۲.

۲. همان، ص ۳۱۳.

۳. علی محمد باب، بیان عربی، ص ۴۹.

۴. علی محمد باب، بیان فارسی، ص ۲۶.

۵. علی محمد باب، بیان عربی، ص ۲۶.

احکام میرزا حسینعلی نوری (بهاء)



- بهائیان خواندن نماز به جماعت را (بجز نماز میت) حرام می‌دانند.^۱
- مدت روزه نزد بهائیان ۱۹ روز است و روز اول فروردین، عید فطر می‌باشد.^۲
- قبله بهائیان قبر میرزا بهاء در اسرائیل است.^۳
- میرزا بهاء می‌گوید: تمام نجاسات (خون و ادرار و...) پاک هستند.^۴
- خانه مسکونی اختصاص به پسران میت دارد.^۵
- «حال اگر فرزند بخواهد خانه را بفروشد، تکلیف مادر و خواهران تازه بی‌سرپرست شده چه خواهد شد»
- نزد بهائیان فقط ازدواج با زن پدر حرام است.^۶
- میرزا بهاء می‌گوید: موسی سر خود را نتراشید.^۷
- مرده‌ها باید در سنگ‌های قیمتی و چوب‌های محکم و لطیف دفن شوند.^۸

۱. حسینعلی بهاء، اقدس، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۶.

۳. همان، ص ۷.

۴. همان، ص ۲۲.

۵. همان، ص ۵۷.

۶. همان، ص ۱۰۴.

۷. همان، ص ۴۲.

۸. همان، ص ۴۴.



با توجه به احکام سخیف بابی و بهائی که - گاه
با ابتدائی‌ترین حقوق انسانی و گاه با مسلمات عقلی
مغایرت دارد - چگونه این تعالیم و احکام می‌تواند
بشر را هدایت کرده و او را به سر منزل مقصود
برساند؟! آیا حکم به نخوردن دارو برای مریض و یا
سوار نشدن گاو و ... از نیازهای انسان کنونی
شناخته می‌شود؟ آیا اختصاص خانه مسکونی میت،
به پسر بزرگ با عدالتی که بهائیان مدعی آن
هستند، سازگاری دارد؟ آیا دفن مرده‌ها در
سنگ‌های قیمتی و چوب‌های لطیف، ثمره‌ای برای
آنها دارد؟ قرار گرفتن یک انسان به عنوان قبله
بهائیان (آن هم در قلب اسرائیل) چه معنا و
مفهومی دارد؟



نکته آخر اینکه احکام و تعالیم باب و بهاء، گاه
برگرفته از سایر ادیان است و گاه احکامی خود
ساخته است که اغلب آنها با یکدیگر در تناقض و با
اصول اولیه انسانی در تضاد هستند.



فصل سوم رابطه بهائیت با استعمار





تأمل در کارنامه رهبران بهائیت، آنان را کراراً وابسته به قدرتهای استکباری (از تزار روس و امپراطور انگلیس تا رؤسای جمهور آمریکا و اسرائیل) نشان می‌دهد. یعنی ثناگوی کسانی که در عصر خود مظهر ظلم و استکبار بوده و دستشان تابازو به خون مظلومان آلوده بوده. این واقعیت تلخ و دردناک چنانچه تنها در نوشته‌های غیر بهایی انعکاس داشت، در قبول آن جای چون و چرا بود، اما نکته اینجاست که منابع خود بهائیت نیز، سرشار از اخبار مربوط به سازش سران بهائیت با استعمار و صهیونیسم و ستایش اینها است.



در اینجا با تکیه بر منابع معتبر از زوایای گوناگون پیوند دیرین و مستمر بهائیت با کانونهای استکباری یعنی روس تزاری، انگلستان، آمریکا و صهیونیسم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.





(۱) بهائیت و روسیه

اولین دولت استعمارگر که سران باییت و بهائیت با آن در ارتباط بوده‌اند، امپراطوری روس تزاری است؛ امپراطوری که در نیمه اول قرن نوزدهم، با زور و نیرنگ یکی از آبادترین شهرهای کشورمان را اشغال و از پیکر آن جدا کرد و پس از آن نیز تا زمان فروپاشی (۱۹۱۷م) همواره سر راه آزادی و پیشرفت ایران اسلامی بود.

علاوه بر منابع غیر بهایی در آثار خود بایبان و بهائیان نیز شواهد و دلایل تاریخی زیادی وجود دارد که حاکی از ارتباط سران این دو فرقه - خصوصاً بهائیان و بالاخص شخص حسینعلی بها - با روسیه است که جهت اطلاع به چند نمونه اشاره می‌شود.

۱. زمانی که علی محمد باب (همراه دستیارش محمدعلی زنوزی) در تبریز اعدام و جسدش در خندق افکنده شد، صبح روز بعد، کنسول روس



در تبریز به کنار خندق آمد و توسط نقاش
کنسول خانه به تصویربرداری از جسد باب و
محمدعلی زنوزی پرداخت. چنانچه اشراق
خاوری و محمدعلی فیضی دو تن از مورخان
مشهور بهایی نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند.^۱

۲. ماجرای تجمع بابیان (تحت رهبری قدوس، قره
العین و حسینعلی بهاء) در ۱۲۶۴ق در بدشت
(واقع در حوالی شاهرود) در تاریخ مشهور است.
در آنجا تصمیم گرفته شد که بابیان در ماکو
(بازداشتگاه علی محمدباب) گرد آیند و برای
رهایی باب به مقرش حمله برند و در برابر
دولت وقت ایران (محمدشاه و حاجی میرزا
آقاسی) ایستادگی ورزند و چنانچه شکست
بخورند به «خاک روسیه» پناهنده شوند.

۳. اقدام کاپیتان تومانسکی، صاحب منصب روسی،
به ترجمه و ترویج آثار بهائیان، مورد دیگری
است که برخی از مطلعان آن راشاهدی بر پیوند
روسیه و بهائیت گرفته‌اند.

۴. تشکیل اولین مرکز تبلیغاتی مهم بهائیه‌ها در
خاورمیانه (با عنوان مشرق‌الاذکار) در عشق‌آباد

۱. مجله ایام، ش ۲۹، ۱۳۸۶، ۶ شهریور، ص ۴.

روسیه و با حمایت آشکار روسها، نشان دیگری
از پیوند دولت تزاری و سران این فرقه است.

۵. حضور بهائیان در تشکیلات و مؤسسات مربوط
به روس تزاری در ایران مثل سفارتخانه و بانک
استقراضی روسیه و....

۶. وعده‌های مکرر سران بهائیت (بهاء و عبدالبهاء)
به اتباع خویش مبنی بر شکست ناپذیری
امپراطوری تزاری و برخورداری آنها از تائیدات
الهی!

۷. ردپای ارتباط بابیان و بهائیان با روسیه تزاری،
بیش از هر چیز، بایستی در پرونده خود
حسینعلی بهاء (موسس مسلک بهائیت)
بازجست که پدرش میرزا عباس نوری، دستیار
شاهزاده «روس فیل» قاجار (امام وردی میرزا)
بود و سه تن از منسوبین نزدیک بهاء (برادر،
شوهر خواهر و خواهرزاده وی) در استخدام
سفارت روسیه بودند و خود بهاء نیز در جریان
ترور نافرجام ناصرالدین شاه توسط بابیان، با
حمایت جدی و پیگیر سفیر روسیه (دالگورکی)
از زندان و اعدام رهایی یافت.^۱



۱. مجله ایام، ش ۲۹، ۱۳۸۶، ۶ شهریور، ص ۴؛ و قرن پنجم، ص ۲۲۴ و



(۲) بهائیت و انگلیس

عبدالبهاء (فرزند و جانشین حسینعلی بهاء) بعد از مرگ پدرش بهاءالله در ادامهٔ سیاست پدرش، با دولت روس ارتباط صمیمانه داشت، پس از انقراض حکومت روسیه، عبدالبهاء با دولت انگلستان به طور مخفی رابطه برقرار کرد ولی عثمانی‌ها فهمیدند که عبدالبهاء به نفع انگلستان جاسوسی می‌کند لذا جمال پاشا، فرماندهٔ کل قوای عثمانی تصمیم به اعدام او گرفت. همین که گزارش حکم اعدام عباس افندی (عبدالبهاء) به «لرد بالفور» وزیر امور خارجهٔ وقت انگلیس رسید، با تلگراف به ژنرال «النبی» سالار سپاه انگلیس در فلسطین، دستور می‌دهد که با جمیع قوا در حفظ عبدالبهاء و عائله و دوستان او بکوشد. و در قضیه اشغال نظامی قدس توسط ژنرال «النبی» در بحبوحهٔ جنگ جهانی اول، عبدالبهاء انبار آذوقهٔ خویش را به روی سربازان



گرسنه انگلیسی گشود و راه را برای سیطره آنها بر قشون مسلمان عثمانی هموار کرد.

مواضع عبدالبهاء به سود انگلیس، آن چنان جمال پاشا (حاکم و فرمانده دولت مسلمان عثمانی) را که با ارتش بریتانیا می‌جنگیدند، عصبانی کرد که تهدید نمود: «اگر به زودی مصر را فتح کند، در مراجعتش عبدالبهاء را به صلابه خواهد کشید. محمدرضا آشتیانی‌زاده، نماینده مشهور مجلس شورای ملی در عصر پهلوی، گفته است: «در سفارت انگلیس اگر می‌خواستند از ایرانیان فردی را استخدام کنند، حتماً یک یهودی یا ارمنی یا بهائی، گهگاه زرتشتی و برای مشاغل نازل‌تر از قبیل فراشی و نامه‌بری و نامه‌رسانی و باغبانی و دربنانی و غلامی از پیروان علی‌اللهی (غلاة) برمی‌گزیدند. به عبارت دیگر، مستخدمان بومی سفارت انگلیسی، از هر فرقه‌ای بودند غیر از شیعه اثنی عشری...»^۱

در ازای این همه لطف و محبت انگلیس به بهائی‌ها، آنها نیز با کارگزاری و احیاناً جاسوسی خدمات شایانی به امپریالیسم بریتانیا نمودند.

۱. ماهنامه زمانه (اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر) شماره ۶۱

عباس افندی (عبدالبهاء) بخاطر خدمات^۱ شایان
به انگلستان از سوی پادشاه انگلیس یعنی جورج
پنجم نشان عالی پهلوانی و لقب «سر» دریافت
کرد.^۲



عبدالبهاء در حال گرفتن لقب «سر» از سوی پادشاه انگلستان

۱. همان.

۲. محمد جعفر امامی، پای سخنان پدر، ص ۸۸.



۳) بهائیت و آمریکا

سومین دولت استعماری که بهائیت در طول تاریخ، پیوندی عمیق و استوار با آن داشته (و هنوز هم بیشترین پیوند را با آن دارد) ایالات متحده آمریکا است. از نظر بهائیان به اصطلاح مهد امرالله ایران است ولی نظم اداری امرالله و در واقع مرکز سازماندهی تشکیلات بهائیت در آمریکا قرار دارد.



عباس افندی در سال‌های ۱۹۱۱ - ۱۹۱۳ م سفری به اروپا و آمریکا کرد و سخنرانیهای متعددی در مجامع و محافل مختلف این دو منطقه ایراد کرد.

در سخنرانی‌های عباس افندی در آمریکا نکاتی به چشم می‌خورد که وابستگی بهائیت به آمریکا و حمایت این کشور از این فرقه را به خوبی نشان می‌دهد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:



۱. طرح این ادعا که «حکومت آمریکا در نهایت عدالت» عمل می‌کند. مساوات در این کشور

کاملاً جاری است. و دولت و ملت آمریکا به هیچ وجه اندیشه استعمار و تصرف کشورهای دیگر را در سر ندارند و اقداماتشان صرفاً جنبه انسان دوستانه دارد.

۲. تأکید بر غنی بودن منابع زیرزمینی و بهره‌برداری نشده ایران (نفت) و امتیاز ویژه ایران از این حیث برای تجارت و صنعت سرمایه‌داران امریکایی و تشویق آن جماعت به آمدن به ایران و استخراج معادن این کشور که لازمه آن کسب امتیازات اقتصادی در ایران است.

درباره نکتہ اول (عدالت‌گری حکومت آمریکا و گرایش نداشتن دولت و ملت آن کشور به استعمار و تصرف کشورهای جهان) در خطابه عباس افندی (مورخ ۱۲ مه ۱۹۱۲ میلادی - ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۰ قمری) آمده است که:

«...چون من به آمریکا آمدم دیدم جمعی همه حامی صلح‌اند و اهالی در نهایت استعداد و حکومت آمریکا در نهایت عدالت، و مساوات بین بشر جاری است، لهذا من آرزویم چنان است که اول پرتو صلح از آمریکا به سایر جهان برافتد. اهالی آمریکا بهتر از عهده



[استقرار صلح در جهان] برآیند، زیرا مثل دیگران نیستند. اگر انگلیس بر این امر برخیزد گویند به جهت منافع خویش مبادرت به این امر نموده، اگر فرانسه قیام نماید گویند به جهت محافظت مستعمرات خود برخاسته، اگر روس اعلان کند گویند برای مصالح سلطنت خود تکلم کرده، اما دولت و ملت آمریکا مسلم است که نه خیال مستعمراتی دارند، نه در فکر توسیع دایره مملکت هستند و نه در صدد حمله به سایر ملل و ممالک، پس اگر اقدام کنند، مسلم است که منبعث از همت محض و حمیت و غیرت صرف است، هیچ مقصدی ندارند...»

درباره نکته دوم (تشویق سرمایه‌داران آمریکایی به آمدن به ایران و کسب امتیازات) نیز اظهارات عباس افندی در کنگره ارتباط شرق و غرب (تالار کتابخانه ملی واشنگتن، ۲۰ آوریل ۱۹۱۲ میلادی، ۳ جمادی الاول ۱۳۳۰ قمری) شایان دقت و تأمل است: «امشب من بی‌نهایت مسرورم که در همچو مجمع و محفلی وارد شدم من شرقی هستم، الحمدلله در مجلس غرب حاضر شدم و جمعی می‌بینم که در روی آنان نور انسانیت، در نهایت



جلوه و ظهور است و این مجلس را دلیل بر این می‌گیرم که ممکن است ملت شرق و غرب متحد شوند و ارتباط تام به میان ایران و آمریکا حاصل گردد. زیرا برای ترقیات مادیه ایران بهتر از ارتباط با آمریکائیان نمی‌شود و هم از برای تجارت و منفعت ملت آمریکا مملکتی بهتر از ایران نیست؛ چه اینکه مملکت ایران مواد ثروتش همه در زیر خاک پنهان است. امیدوارم ملت آمریکا سبب شوند که آن ثروت ظاهر شود.^۱





(۴) بهائیت و اسرائیل

از فصول بسیار مهم در پرونده بهائیت، روابط صمیمانه و همکاری تنگاتنگ سران آن با صهیونیسم به طور عام و رژیم اشغالگری قدس به طور خاص است.

سرزمینی که پیش از نیم قرن است صهیونیسم بر آن چنگ افکنده از دیر باز قبله بهائیان محسوب می‌شود و سال‌ها است که مرکزیت جهانی بهائیت یعنی «بیت العدل اعظم» در آن کشور قرار دارد. ضمناً این روابط حسنه، اختصاص به امروز و دیروز نداشته و از ابتدای تأسیس رژیم اسرائیل وجود دارد. بلکه اگر با جستجو بیشتری به موضوع نگاه شود، می‌توان ردپای این روابط را با آژانس یهود و سران صهیونیسم جهانی در دهها سال پیش از تأسیس رژیم اشغالگر قدس یافت. پس از سقوط و تجزیه امپراطوری عثمانی، فلسطین تحت سرپرستی



بریتانیا قرار گرفت تا چرچیل (وزیر مستعمرات انگلیس که خود را یک صهیونیست ریشه‌دار می‌خواند) به عنوان کمک به ایجاد «کانون ملی یهود» در فلسطین، مقدمات تأسیس دولت اسرائیل را فراهم سازد. تشکیلات بهائیت در فلسطین از کمک‌ها و امتیازات ویژه‌ی صهیونیست‌ها برخوردار بودند. به نوشته شوقی افندی: در آن دوران «شعبه‌ای به نام موقوفات بهائی در فلسطین دایر گشت و هر چیزی که به نام موقوفات بهایی از اطراف عالم به اراضی مقدسه (اسرائیل) می‌رسید، از پرداخت عوارض و حقوق گمرکی و مالیات معاف بودند...»

پیداست که استعمار بریتانیا این امتیازات را رایگان در اختیار بهائیت قرار نمی‌دهد. طبعاً سران بهائیت خدمت شایان توجهی برای انگلستان و صهیونیسم انجام داده بودند که مستحق این همه عنایت و توجه ویژه شده بودند. همچنین یهودیان را مجبور می‌سازد که به جای اجازه‌نامه‌های معمولی اجازه‌نامه‌های سرخ‌رنگ حمل کنند تا از ورود قاچاقی آنان و سکونتشان در سرزمین فلسطین جلوگیری شود، و سرانجام به دلیل همین مخالفت‌ها است که به قول صلاح زواری (سفیر سابق فلسطین



در تهران): سلطان عبدالحمید... تخت خود را به
بهای موضع خویش در قبال فلسطین از دست داد.
سال‌ها بعد در اواخر جنگ جهانی اول با شکست
عثمانی، زمینه رخنه صهیونیسم به فلسطین فراهم
شد و لذا در اواخر جنگ (نوامبر ۱۹۱۷) جیمز بالفور،
وزیر خارجه لندن، مساعدت بریتانیا به طرح تشکیل
کانون ملی یهود در فلسطین را به صهیونیست‌ها
می‌دهد (اعلامیه مشهور بالفور به روچلید). در این
حال فرمانده کل قوای عثمانی که از نقشه‌های
بریتانیا و صهیونیسم در مورد منطقه فلسطین اطلاع
دارد و عباس افندی و یاران وی را نیز در
شامات (سوریه و فلسطین) و عراق و ... دست‌اندر کار
کمک به ارتش بریتانیا می‌بیند، تصمیم به قتل وی
و انهدام مراکز بهایی در حيفا و عکا می‌گیرد، چرا که
از نقش این فرقه و رهبر آن در تحقق توطئه‌ها آگاه
است. شوقی افندی رهبر بهائیان در این زمینه در
کتاب قرن بدیع به صراحت خاطر نشان می‌سازد
که: «جمال پاشا (فرمانده کل قوای عثمانی) تصمیم
گرفت، عباس افندی را به جرم جاسوسی اعدام
کند.»



دولت انگلستان نیز متقابلاً به حمایت جدی از
پیشوای بهائیان برمی‌خیزد و "لرد بالفور" تلگرافی

به "ژنرال النبی" فرمانده ارتش بریتانیا (در جنگ با جمال پاشا در منطقه فلسطین) دستور می‌دهد که در حفظ و صیانت عبدالبهاء و عائله و دوستانش بکوشد. و امپراطوری بریتانیا در تکمیل این اقدامات، توسط همین ژنرال النبی به عباس افندی لقب سِر (sir) و نشان شوالیه‌گری (knighthood) اعطا می‌کند. چندی بعد عباس افندی از دنیا می‌رود و در حیفا به خاک سپرده می‌شود. با انتشار خبر مرگ او، سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های انگلیس در خاورمیانه اظهار تأسف و همدردی کرد. و چرچیل (وزیر مستعمرات انگلیس) تلگرامی برای سرهربرت ساموئل (صهیونیست سرشناس و کمیسر عالی انگلیس در فلسطین) صادر می‌کند و از او می‌خواهد مراتب همدردی و تسلیت حکومت انگلیس را به خانواده عباس افندی ابلاغ کند. ساموئل خود با دستیارانش در تشییع جنازه عبدالبهاء (عباس افندی) حاضر شده و مقدم بر همه شرکت کنندگان حرکت می‌کند.

تشکیل رژیم اشغالگر قدس سال ۱۹۴۸ در زمان حیات شوقی افندی اتفاق افتاد. قبل از آن در سال ۱۹۴۷، سازمان ملل کمیته‌ای را برای رسیدگی به مسأله فلسطین تشکیل داد. شوقی در ۱۴ جولای



۱۹۴۷ طی نامه‌ای به رئیس کمیته مزبور بر مطالب جالب توجهی از منافع مشترک بهائیت و صهیونیسم تأکید ورزید و ضمن مقایسه منافع بهائیت با مسلمانان‌ها و مسیحی‌ها و یهودی‌ها در فلسطین نتیجه گرفت که: «تنها یهودیان هستند که علاقه آنها نسبت به فلسطین تا اندازه‌ای قابل قیاس با علاقه بهائیان به این کشور است زیرا که در اورشلیم بقایای معبد مقدسشان قرار داشته و در تاریخ قدیم، آن شهر مرکز مؤسسات مذهبی و سیاسی آنان بوده است...»

۱۴ مه ۱۹۴۸ انگلستان به سرپرستی خود بر فلسطین پایان داد و همان روز شورای ملی یهود در تل‌آویو تشکیل شد و تأسیس دولت اسرائیل را اعلان کرد. پس از آن شوقی وی همچنین در تلگراف مربوطه به تشکیل هیئت بین‌المللی بهائی (بیت‌العدل بعدی) مورخ ۹ ژانویه ۱۹۵۱ (۱۳۲۹ش) تأسیس اسرائیل را تحقق پیشگوئی‌های حسینعلی بهاء و عباس افندی شمرد. و سپس بین ایجاد این هیئت و تأسیس اسرائیل ارتباط مستقیم برقرار کرد. شوقی سه وظیفه را برای آن هیئت (بیت‌العدل) برمی‌شمارد که در رأس آنها: ایجاد روابط با اولیای حکومت اسرائیل قرار دارد. و در جای دیگر،



استحکام روابط با امنای دولت جدیدالتأسیس (اسرائیل) و در این سرزمین را جزء وظایف (وظیفه دوم) هیئت بین‌المللی بهائی می‌داند و عنوان می‌کند که این هیأت مقدمه تشکیل اولین محکمه رسمی... و منتهی به تأسیس دیوان عدل الهی... خواهد گشت.

بدین ترتیب، شوقی افندی به عنوان مبتکر ارتباط صمیمانه با اسرائیل پس از تأسیس این رژیم، روابطی را با آن بنا می‌نهد که فصل مشترک آن، حمایت و اعتماد دو جانبه می‌باشد. هیئت بین‌المللی بهائی (بیت‌العدل) در نامه‌ای که در اول ژانویه ۱۹۵۲ برای محفل ملی بهائیان ایران ارسال کرد، به رابطه صمیمانه شوقی با دولت اشغالگر صهیونیستی اذعان می‌کند: «روابط حکومت (اسرائیل) با حضرت ولی‌ام‌الله (شوقی افندی) و هیأت بین‌المللی بهائی، دوستانه و صمیمانه است و فی‌الحقیقه جای بس خوشبختی است که راجع به شناسایی امر (بهائیت) در ارض اقدس (فلسطین اشغالی) موفقیت‌هایی حاصل گردیده است».

بن گوریون (نخست‌وزیر اسرائیل و رئیس جناح تندرو به اصطلاح «بازی‌های» آن کشور) این صمیمیت را میان رژیم اسرائیل و قاطبه بهائیان



گسترده می‌داند. در نشریه رسمی محفل ملی بهائیان ایران می‌خوانیم: «با نهایت افتخار و مسرت، بسط و گسترش روابط بهائیت با اولیای امور دولت اسرائیل را به اطلاع بهائیان می‌رسانیم و در ملاقات با بن‌گورین نخست‌وزیر اسرائیل، احساسات صمیمانه بهائیان را برای پیشرفت دولت مزبور به او ابراز نمودند و او در جواب گفته است: از ابتدای تأسیس حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط صمیمانه با دولت اسرائیل داشته‌اند».

در همین راستا، اسرائیل امکانات ویژه‌ای در اختیار فرقه ضاله قرار می‌دهد که شوقی در پیام آوریل ۱۹۵۴ (۱۳۳۳ شمسی) گوشه‌ای از آن را برمی‌شمارد از جمله اینکه، دولت اسرائیل شعبه‌های محافل ملی بهائیان بعضی کشورها نظیر انگلیس، ایران و کانادا را در فلسطین اشغالی به رسمیت شناخت تا امکان فعالیت مستقل داشته باشند. وی سپس مطالبی را بیان داشت که نشانگر آن است که شاید رژیم صهیونیستی برای هیچ گروه دیگری این قدر اهتمام نداشته و این از ارزش و اهمیت بهائیت برای آنان حکایت دارد.



در اثر این جریانات، رئیس جمهور اسرائیل مصمم گردید تا در اوایل عید رضوان رسماً مقام مقدس اعلی را زیارت نماید».

یکی از نزدیکان شوقی پس از ذکر حمایت‌های حاکم انگلیسی فلسطین از بهائیان، به عنایات صهیونیست‌ها اشاره کرده و می‌گوید: «الان هم دولت اسرائیل همان روش را اتخاذ نموده و دستور رسمی داده شده است که از کلیه عوارض و مالیات‌ها معاف باشند». البته دامنه حمایت‌ها تنها بدین جا محدود نمی‌شده، بلکه معافیت از مالیات، بعداً شامل بیت عبدالبهاء و مسافرخانه شرقی و غربی نیز گردید... و عقدنامه‌های بهائی وزارت ادیان، قصر مزرعه ایام متبرکه بهائی توسط وزارت معارف اسرائیل به رسمیت شناخته شد. گفتنی است که حکومت اسرائیل قصر مزرعه را برای سازمان‌های دیگری در نظر گرفته بود، اما با پیگیری‌های شوقی و مراجعه مستقیمش به رؤسای حکومت اسرائیل، به این فرقه اختصاص یافت.^۱

۱. مجله ایام، شماره ۲۹، ۶ شهریور / ۱۳۸۶، ص ۲۶ و ص ۲۷/پویا
(شکیبا)

مدارک ارتباط بهائیت با اسرائیل در زمان شوقی

افندی

همان طوری که قبلاً اشاره شد، در زمان حیات شوقی افندی، دولت غاصب اسرائیل در فلسطین اشغالی تأسیس شد. این حکومت نامشروع، بارها و بارها از شوقی افندی، رهبر مسلک بهائیت، حمایت کرد، به عنوان نمونه می توان به اسناد زیر که از منابع خود بهائیان استخراج شده است اشاره نمود:

● شوقی افندی می گوید: «دولت اسرائیل برای

مصالح ساختمانی مقام اعلی (مقبیره

علی محمد باب) گمرک نمی گیرد.»^۱

● شوقی افندی در جای دیگر اظهار کرد:

«دولت اسرائیل وسایل راحتی ما را فراهم

کرد.»^۲

● رهبر سوم بهائیان (شوقی) به صورت رسمی

و آشکارا در لوح نوروز ۱۰۸ بدیع خطاب به

بهائیان، نظر بهائیت را در خصوص تشکیل

کشور اسرائیل چنین اظهار داشته بود:

۱. اخبار امری، شهریور ۱۳۳۰، شماره ۵، ص ۱۱ ستون دوم (مجله اخبار

امر، نشریه‌ای است که توسط محفل ملی بهائیان ایران منتشر می‌شد).

۲. همان، سال ۱۰۷ بدیع شماره ۸، ص ۲.





«مصدق وعدة الهی به ابناء خلیل و وارث کلیم
 ظاهر و باهر، و دولت اسرائیل در ارض اقدس
 مستقر و به روابط متینه به مرکز بین‌المللی
 جامعه بهائی مرتبط و به استقلال و اصالت
 آیین الهی مقرر و معترف و به ثبت عقدنامه
 بهائی و معافیت کافه موقوفات امریه در مرز
 عکا و جبل کرمل و لوازم ضروریه بنای بنیان
 مقام اعلی از رسوم دولت و اقرار به رسمیت
 ایام تسعه متبرکه که محرمه موفق و مؤید»^۱

• هیأت بین‌المللی بهائی حیفا در نامه‌ای به
 محفل روحانی ملی بهائیان ایران در اول
 ژوئیه ۱۹۵۲، رابطه شوقی افندی را با
 حکومت اسرائیل به نحوی کاملاً سربسته و
 محرمانه، چنین به اطلاع بهائیان رسانید:

«روابط حکومت اسرائیل با حضرت ولی امرالله
 (شوقی افندی) و هیأت بین‌المللی بهائی
 (بیت‌العدل)، دوستانه و صمیمانه است و فی الحقیقه
 جای بسی خوشبختی است که راجع به شناسایی
 امر در ارض اقدس موفقیت‌هایی حاصل گردیده
 است...»^۲

۱. توقیعات مبارکه شوقی افندی، ص ۲۹۰.

۲. مجله اخبار امری، شماره ۵، ص ۱۶، (شهریور ۱۳۳۱ شمسی).

● دکتر لطف‌الله حکیم، منشی اولین شورای بین‌المللی بهائی، طی نامه‌ای در اواخر ژوئن ۱۹۵۲ به منشی محفل بهائیان ایران چنین نوشت:



«... قرب روضه مقدسه جمال اقدس ابهی (بهاء‌الله) عز اسمہ - اعلی و در جوار قصر مبارک بهجی، از سوابق، مخروبه‌ای موجود بوده و مولای توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا فداہ ارادہ داشته‌اند که آن را به کلی ویران و تبدیل به باغ و گلستان فرمایند و لکن ناقضین قدیم و جدید چنان که رسم و آداب دیرین آنان است به جمیع قوا به ضدیت با حضرت ولی امرالله پرداخته و به عناوین مختلفه، اجرای این منظور جلیل را به تأخیر انداخته و عاقبه الامر در محکمه، دعوایی در این خصوص به کمک و کیلی محیل و عنود برپا ساخته و به هیچ وجه رضایت نمی‌داده‌اند که این مخروبه کریمه‌المنظر از جلوی روضه مبارکه برداشته شود و به جای آن گلستان پرتراوت به میان آید. زیرا بوم شوم جز در ویرانه مکان و مأوی نمی‌گزیند و از بوی گل



رنج می برد. خلاصه الکلام دولت اسرائیل با نتیجه امر صریح بر حقانیت اهل بهاء صادر و ناقضین پرکین را محکوم می نماید و لهذا بدون درنگ آن مخروبه به امر هیکل مبارک منهدم می شود و بعد از دو روز اثری از آن باقی نمی ماند...»^۱

• همچنین محفل ملی بهائیان ایران طی اعلامیه‌ای که در شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مجله اخبار امری (بهمن، اسفند و فروردین ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳) انتشار داد، ذیل عنوان «مژده بزرگ» چنین نوشت:

«محفل روحانی ملی بهائیان ایران در خاک اسرائیل به رسمیت شناخته شده و شعبه آن نیز تأسیس و تسجیل گشته و شخصیت حقوقی یافته است و به قسمی که الان می توان به نام محفل ملی ایران رسماً و قانوناً، ضیاع و عقار و املاک و مسقفات، امتیاع نمود و هیکل مبارک وعده فرموده‌اند که قریباً اراضی محفظه آثار بین‌المللی ارض اقدس به نام شعبه محفل ملی ایران منتقل خواهد گردید، هیکل مبارک به زائران فرموده‌اند که

۱. مجله اخبار امری، شماره ۴، مردادماه ۱۳۳۱ شمسی.



این موضوع از این جهت بسیار مهم است که برای اولین بار در تاریخ امر، محفلی که در کشور خودش به رسمیت شناخته نشده، شعبه آن در خارج رسمی و قانونی شده است.»



● زمانی که شوقی افندی، آخرین رهبر بهائیان در لندن از دنیا رفت و قرار شد در همان شهر دفن شود، دولت اسرائیل به سفارت خود در انگلستان دستور داد در این مراسم حضور فعالانه داشته باشد، لذا در غیاب سفیر کبیر اسرائیل در لندن، کاردار سفارت به نام گیرشون اولر، در مراسم تشییع شرکت جست.^۱



● به گزارش نشریه رسمی بهائیان ایران در ماه جولای سال ۱۹۶۰ (تیرماه ۱۳۳۹) تعداد ۱۷۰۰۰ نفر از ساختمان بهائیان در آمریکا بازدید کردند، که از «موشه انتریونی» ساکن اسرائیل و نماینده دولت اسرائیل برای شرکت در یک کمیته اداری، نیز نام برده می شود تا شاید اسباب تجدید روحیه برای بهائیان سرخورده و مأیوس باشد.^۲



۱. مجله اخباری امری، سال ۱۳۳۹، شماره ۸ تا ۱۰، ص ۲۶۳.

۲. مجله اخبار امری، سال ۱۳۴۰، شماره ۳ و ۴، ص ۱۷۸.



• خانم روحیه ماکسول، همسر آمریکایی شوقی افندی، در مورد رابطه بهائیت با اسرائیل و صهیونیسم نیز ابراز داشته که: «من ترجیح می‌دهم که جوان‌ترین ادیان (بهائیت) از تازه‌ترین کشورهای جهان (اسرائیل) نشو و نما نماید، و در حقیقت باید گفت آینده ما (یعنی بهائیت و اسرائیل) چون حلقه‌های زنجیر بهم پیوسته است.»^۱



علل حمایت شوقی افندی از تشکیل رژیم صهیونیستی

تا اینجا روشن شد که بهائیان و اسرائیل از دیرباز روابط حسنه‌ای داشته‌اند. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که علل حمایت شوقی افندی (رهبر سوم بهائیان) از تشکیل رژیم صهیونیستی چه بوده است؟ در جواب این سؤال باید چنین گفت که در دوران رهبری شوقی افندی که مصادف با تشکیل حکومت اسرائیل بود، برای اولین بار نام «ارض اقدس» و «مشرق الاذکار» اصلی را از زبان او می‌شنویم و این شاید به دو دلیل باشد:



۱. مجله اخبار امری، دی ماه ۱۳۴۰، شماره ۱۰، شماره صفحات مسلسل

۱. بابیان و بهائیان به خاطر مخالفت‌هایی که در ایران با آن روبرو شده بودند و برخوردهای خونینی که با مسلمانان داشتند، با پیروان این آئین بیش از گروه‌ها و دسته‌های دیگر کینه‌توزی می‌کردند و هنوز هم می‌کنند، بابیان و بهائیان توسل به زور را برای پذیرفتن آئین خویش منع کرده بودند، مگر در مورد مسلمانان که مال و جان و ناموس آنان را مباح اعلام کرده بودند و حتی آنان را شکنجه می‌دادند و به شهادت می‌رسانیدند (گزارشات نماینده سیاسی انگلیس در ایران در زمان محمدعلی شاه قاجار به وزیر خارجه انگلیس) این امر البته می‌تواند به نوعی انتقامجویی و کینه‌توزی توجیه شود.

۲. پس از تشکیل حکومت اسرائیل، سومین پیشوای بهائیت درصدد برآمد تا با استفاده از اختلاف دیرین مسلمانان و یهودیان، سرزمین اسرائیل را به عنوان مرکز اصلی و کعبه آمال بهائیان بپذیرد و دولت یهود را به صورت پناهگاه بلکه تکیه‌گاه جهانی این فرقه درآورد.





علل حمایت اسرائیل از بهائیت

اما علل حمایت اسرائیل از فرقه ضالّه بهائیت را می‌توان در موارد ذیل جستجو نمود:



۱. از مظاهر دشمنی دیرین یهودیان نسبت به مسلمانان این بود که هر نیروی ضد اسلامی را مورد حمایت قرار می‌دادند، مخصوصاً که سرزمین اسرائیل در محاصره کشورهای اسلامی قرار داشت (و هنوز هم دارد)، و شاید به همین سبب باشد که دولت اسرائیل یکی از اولین و مؤثرترین حکومت‌هایی بود که همراه با به رسمیت شناختن مذاهب و ادیان مختلف، مسلک بهایی را نیز به رسمیت شناخت و جزء مذاهب رسمی مملکت خود قرار داد.



۲. بدون هیچ تردید، جلب سرمایه‌داران بزرگ که بهائیان و مخصوصاً رهبران این فرقه در رأس آنها قرار داشتند و طبعاً سرمایه‌های خود را در این سرزمین نو بنیاد به کار می‌انداختند، به سود حکومت جدیدالتأسیس اسرائیل بود. و چنین بود که این دولت جدید به بهائیان به خوبی روی خوش نشان داد و آنان را به سوی



خود و سرمایه‌گذاری در سرزمین خود جلب کرد.

۳. اگر مجموع این عوامل را به دفن رهبران بهایی در این سرزمین بیافزائیم (که خود مرکز مقدسی برای بهائیان می‌شود و هر سال گروه‌های کثیری بهائیرا با سرمایه‌های کلان و مخارج گزاف به سوی این سرزمین سرازیر می‌کند) به انگیزه تفاهم فوق‌العاده بهائیان و صهیونیسم بیشتر و بهتر واقف می‌شویم.

در ۳۲ سال اخیر نیز بهائیان و رژیم صهیونیستی روابط خود را ادامه داده و نسبت به گذشته عمق و گستردگی بیشتری بخشیده‌اند. با وجود شواهد و مدارک فراوان از ارتباط عمیق و گسترده میان بهائیت و صهیونیسم، (که بخشی از آنها بیان شد) عجیب است که بهائیان در سایت‌ها و رسانه‌های مربوط به خویش، در مقابل سؤال (یا اعتراض) نسبت به پیوند این فرقه با اسرائیل، با جسارت، ادعا می‌کنند که هیچ رابطه‌ای بین این فرقه با صهیونیسم و اشغالگران فلسطین وجود ندارد و تمرکز بیت‌العدل اعظم بهائیان در اسرائیل پدیده‌ای



کاملاً تصادفی است! و هیچ ارتباطی به علائق و
منافع مشترک طرفین ندارد.^۱



فصل چهارم

تبلیغ و شیوه های تبلیغی بهائیت





(۱) جایگاه تبلیغ در بهائیت

بهائیان از آغاز، کار خود را بر تبلیغ و پرورش مبلغین استوار ساخته بودند و در این زمینه تلاش زیادی را انجام داده‌اند تا بتوانند افراد غیر بهایی به ائین ساختگی خود دعوت نمایند. بهائیان آموزش‌های لازم را از طریق سران بهائیت، موسسات آموزشی و در حال حاضر از طریق بیت العدل فرا می‌گیرند.

تبلیغ در بهائیت وظیفه هر فرد بهائی می‌باشد که سران این فرقه به این امر تأکید زیادی کرده‌اند؛ مثلاً بهاء‌الله می‌گوید: تبلیغ امری وجدانی، اجباری و عمومی است.^{۷۵} همچنین عبدالبهاء (عباس افندی) می‌گوید: تبلیغ امرالله وظیفه‌ای است اجباری و عمومی.^{۷۶}



۷۵. محمدعلی فیضی، رساله راهنمای تبلیغ، ص ۵.

۷۶. همان، ص ۶۱.



۲) اصول و شیوه‌های تبلیغ در بهائیت

تبلیغ در بهائیت یا به صورت انفرادی است یا به صورت گروهی که در هر دو صورت باز به تشکیلات بهائیت برمی‌گردد. با بررسی مسلک بهائیت در می‌یابیم که این تشکیلات، بیشترین نیروی خود را صرف تبلیغ می‌کنند، این تبلیغات یا به صورت مستقیم می‌باشد یا به صورت غیرمستقیم.



تبلیغ فردی (انفرادی):

بهائیان می‌گویند این تبلیغ از طرف خود شخص انجام می‌گیرد، این در حالی است که تبلیغ فردی در بهائیت بی‌معناست. تبلیغ این افراد زیر نظر تشکیلات (محافل، ملی، محلی مشاورین، مساعدین و لجنه تبلیغ ناحیه‌ای) انجام می‌گیرد؛ زیرا هر نوزده روز یکبار باید کارهای خود را به محافل گزارش دهند. تبلیغ انفرادی بر افراد واجب است. ایشان باید از فرصت‌ها استفاده کنند، دوستانی



بیابند و روابطی ایجاد نمایند. فرد باید تصمیم
هیأت‌های مشورتی را به مرحله عمل درآورد.^{۷۷}

در همین راستا بهائیان با دستور تشکیلات (واقع
در اسرائیل) این محورها را دنبال می‌کند که به
صورت خلاصه در زیر آمده است:

الف) تشویق بهائیان به تبلیغ و جلوگیری از
خروج آنها از ایران.

ب) القای این نکته که تبلیغ فردی با حکم
اطاعت از حکومت مخالفت ندارد.

ج) تبلیغ فردی از امور شخصی است و کسی
حتی حکومت نمی‌تواند بهائیان را از تبلیغ
منع کند.

د) اطاعت از حکومت فقط در امور اداری است
و در مسائل اعتقادی اشکال ندارد.

ر) اصرار بر این نکته که در ایران افراد برای
قبول آیین بهایی زیاد هستند، فرصت را از
دست ندهید به تبلیغ آنها پردازید.

بهائیان با ترفندی زیرکانه می‌خواهند به اصحاب
حکومت بگویند ما تشکیلات نداریم و اگر هم تبلیغ
می‌کنیم فردی است و ربطی به تشکیلات



ندارد؛ مانند نماز و روزه و سایر عبادات، بنابراین کسی نمی‌تواند مانع تبلیغ فردی شود.

حال لطفاً به نکات زیر توجه فرمائید:

۱. اصولاً تبلیغ اعم از فردی و غیر فردی

امری اجتماعی است؛ چون روح و حقیقت

تبلیغ، برقراری ارتباط با دیگری و یا

دیگران است. اینکه شما به تنهایی تبلیغ

کنید و یا به صورت گروهی تفاوتی هم

نمی‌کند، مهم برقراری ارتباط است که

حقیقت تبلیغ می‌باشد. بنابراین امر تبلیغ

فردی علی‌رغم انفرادی بودن آن وارد

حوزه اجتماعی می‌گردد و دیگر مشمول

احکام و قوانین حوزه فردی نخواهد

بود. البته بیان اعتقادات و تشریح آن و

اصرار بر درستی آن و اثبات برای دیگری

و ایجاد بسترهایی جهت انتقال این اعتقاد

و فکر به دیگری طبیعتاً از حوزه فردی

خارج می‌گردد و تابع احکام در حوزه

اجتماعی می‌شود.

۲. مختصر آشنایی با تشکیلات بهائی، آشکارا

نشان می‌دهد تبلیغ فردی - بدون

تشکیلات - بی‌معنا است و اساساً عنوان





«فردی» کوششی است برای گریز از فشارهای اجتماعی و حکومتی جهت ممنوعیت تبلیغ در ایران.

۳. آیا پیام‌های تبلیغی به غیر از طریق تشکیلات به بهائیان ایران رسیده؟ این پیام توسط چه کسانی توزیع شده است؟ مگر به همه بهائیان توصیه نمی‌شود در امر تبلیغ از رهنمودهای کتاب‌های روحی که توسط بیت‌العدل تهیه شده استفاده نمائید؟ پی‌گیری امر تبلیغ فردی و نتایج حاصل از آن چگونه خواهد بود؟ جز از طریق تشکیلات؟ بنابراین تبلیغ فردی (با این توضیح که تبلیغ فردی امری شخصی است و حتی در صورت فرمان حکومت هم غیر قابل ترک می‌باشد) یک ترفند سیاسی از سوی بیت‌العدل، در جهت پیشگیری از اقدام دولت برای ممنوعیت تبلیغ در ایران است.

۴. با رجوع به برخی کتاب‌های بهائیان روشن می‌شود که تبلیغ فردی بدون نظارت تشکیلات بی‌معناست؛ به عنوان مثال در کتاب نظامات بهائی صفحه ۳۱ چنین

آمده است: «شوقی افندی به هر فرد بهایی که مایل است وظیفه تبلیغ بهائی را به طور غیر رسمی انجام دهد تاکید می کند که در هر نقطه که به خدمت مشغول است با محافل آن نقطه تماس نزدیک داشته باشد. محفل روحانی محلی در عین اینکه حق نظارت بر این گونه خدمات افراد بهایی را برای خود محفوظ می دارد، باید سعی بلیغ به جهت تشویق این قبیل مبلغین مبذول دارد و هرگونه تسهیلاتی که در این مورد نیاز باشد برای آنها فراهم نماید». حال قضاوت در مورد تبلیغ فردی با خود شما.

تبلیغ گروهی

تبلیغی که به صورت دسته جمعی انجام می گیرد را تبلیغ گروهی می گویند. به عبارت دیگر مشارکت در پروژه های تبلیغی، زیر نظر لجنه منطقه تبلیغ و محافل و مساعدین صورت می گیرد. این مبلغین در طول روز به منازلی که از قبل شناسائی کرده اند رفته و با دعوت از آنها جلساتی را به صورت عمومی در روز یا در شب دائر می کنند.



هدف از تبلیغ گروهی:

۱. افزایش تعداد بهائیان به وسیله تبلیغ
۲. تمرکز بر اجرای عملی نقشه‌های تبلیغی
۳. زیاد کردن معلومات افراد جدید
۴. ایجاد کلاس‌های سازمان‌یافته برای کودکان و نوجوانان و غیره.

تبلیغ (فردی - گروهی) یا به صورت مستقیم یا به صورت غیرمستقیم می‌باشد:

- روش تبلیغ به صورت مستقیم: در این روش آراء و نظریات بدون واسطه به مخاطب ارائه می‌شود؛ اخیراً جامعه بهائی به این نوع از تبلیغ روی آورده است. شوقی افندی در رابطه با تبلیغ مستقیم می‌گوید: تبلیغ مستقیم به عنوان اظهار علنی و شجاعانه حقایق اساسی امرالله می‌باشد. تبلیغ مستقیم می‌تواند به صورت تبلیغ خیابانی، ابلاغ پیام در بیوت تبلیغی، ملاقات‌های خانگی، دیدارهای شخصی و توزیع جزوات انجام گیرد. در کتاب ششم از مجموعه کتب روحی به این موضوع تأکید (تبلیغ مستقیم) می‌شود. در این کتاب آمده است که در این زمان از تاریخ که پذیرش خیلی زیاد است، نیاز به کسب و بهبود مهارت‌ها و توانائی‌های تبلیغ مستقیم داریم که چالش ما امروز جذب عده زیادی از افراد به امر بهائی می‌باشد.





● روش تبلیغ به صورت غیر مستقیم: در این روش آراء، عقاید، نظریات و اندیشه‌ها، با واسطه‌ها و وسیله‌های گوناگون به مخاطب عرضه نماید. همچنین مبلغ می‌تواند در لباس و اشکال و چهره‌های گوناگون و ترکیب‌های مختلف به ترویج و نشر خود پردازد.

عملکرد بهائیت در تبلیغ غیر مستقیم نشان می‌دهد این فرقه در صورتی که راه‌های آشکار و مستقیم برای تبلیغ آیین خویش را مسدود بیند به شگردهای نهان و غیر مستقیم تبلیغ روی می‌آورد؛ به عنوان مثال در این روش می‌توان در قالب معلم کلاس اطفال و مهد کودک‌ها، هنرمند و موسیقی‌دان، پزشک و بهداشت‌یار، فروشنده مواد غذایی، فعالیت‌های ساختمانی، داروخانه، عینک‌سازی، شرکت‌های تجاری و بازرگانی و غیره به تبلیغ پرداخت^{۷۸}.

۷۸. همه این موارد در استانهای مختلف نظیر تهران، اصفهان، شیراز، یزد، مازندران، همدان، یاسوج، چهارمحال و بختیاری و... وجود داشته است.



۳) برخی از شیوه‌های تبلیغی بهائیان

الف) پیدا کردن افراد با استعداد

از این افراد در جهت دستورهای تبلیغی بهاءالله استفاده می‌شود؛ چون قابلیت افراد با استعداد، برای موفقیت در تبلیغ - هم از جهت تبلیغ نقشه‌های فردی هم از جهت شرکت در کارهای گروهی - خیلی مهم است.

بعد از اینکه افراد با استعداد را پیدا کردند، نقشه‌های از پیش تعیین شده، مرحله به مرحله به اجرا گذاشته می‌شود. آنها می‌گویند وقتی که دوستان مستعد را پیدا کردید با آنان وارد مذاکره شوید، گاهی کوتاه و گاهی ادامه‌دار که هدف از آن شناخت بهاءالله باشد. در ادامه آموزش می‌دهند که محتوای این مذاکرات چه باشد و به افرادی که تبلیغ می‌کنیم چه باید بگوییم. آنها می‌گویند که باید افکار خودمان را



با آن فرد تطبیق نماییم؛ چون همه افراد
یکسان نیستند.

ب) تشکیل جلسات در منازل (بیوت تبلیغی)

بهائیان می گویند: یکی از بهترین روش های
تبلیغ امر (فرقه بهائی) تشکیل جلسات در
منازل (بیوت تبلیغی) است. بیوت تبلیغی،
جلساتی گرم و صمیمی هستند که در منزل
یک نفر از دوستان تشکیل می شود در این
جلسات نظریات و شیوه های تبلیغی جهت
پیوستن افراد غیربهائی به این فرقه طراحی
می شود.

شوقی افندی در بیانات خود اهل بهاء را
تشویق می کند که در هر خانه و خاندانی لااقل
یک بار در هر نوزده روز جلسه تبلیغی بپارایند
و در آن مهمانی دوستان غیر بهائی را از اهداف
امر (فرقه بهائی) آگاه سازند و عمده ذکر، فکر،
بحث و مشورت یاران در مجلس و مجامع و
مهمانی ها باید بر محور تبلیغ باشد. وی
می گوید: تبلیغ امرالله (فرقه بهائی) در این زمان
مستلزم آن است که افراد بهائی و خانواده های
بهائی باب معاشرت و مراوده را با بستگان و



دوستان و آشنایان غیربهرائی خود از جمیع طبقات باز نمایند و آنان را به خانه خویش دعوت نمایند و با روابط دوستی و الفت اظهار محبت و با کمال ملاحظت و مهربانی با افراد غیربهرائی آنها را آگاه سازید.

ج) مؤسسه‌های تبلیغی

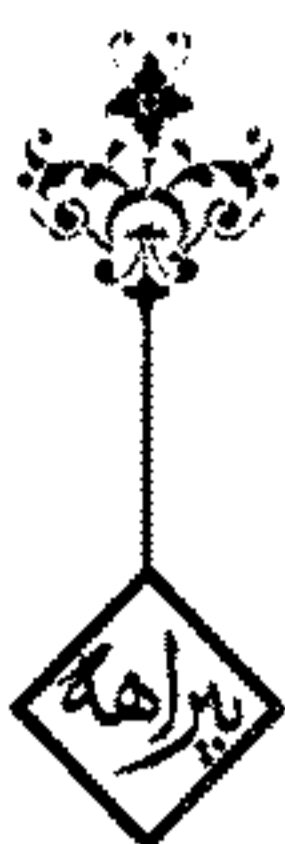
یکی از روش‌های تبلیغ در بهائیت ایجاد مؤسسات تبلیغی می‌باشد. از جریان‌هایی که می‌تواند در روش‌های تبلیغی به افراد کمک کند تا مهارت‌های خود را به عنوان فردی که تبلیغ بهائیت می‌کند تأسیس مؤسسات تبلیغی می‌باشد.

در این مؤسسه‌ها افراد جمعیتی را برای تبلیغ انتخاب می‌کنند. سپس مؤسسه برنامه‌ای برای تماس با جمعیت مذکور تنظیم می‌کند و آن را به مرحله اجرا درمی‌آورد. این مؤسسات تبلیغی برای توسعه مهارت‌های تبلیغی و اجرای نقشه‌های تبلیغی برای جذب افراد جدید می‌باشد.

افراد این گروه جمعیتی را برای تبلیغ انتخاب می‌کنند و بعد مؤسسه مقداری از



آثار^{۷۹} سران این مسلک را جهت تدوین این جمعیت انتخاب می‌کند و این برنامه‌ها به طور مستمر ادامه می‌یابد. که مقصود آن ایجاد منابع انسانی برای امر بهائی می‌باشد.^{۸۰} (جذب افراد جدید)



هدف اصلی از مؤسسه‌های تبلیغی

هدف اصلی افزایش تعداد بهائیان به این مسلک می‌باشد. آنچه که حائض اهمیت است آن است که به افراد گوناگون باید محبت داشت و با بسیاری از اقوام مختلف (گروه‌های قومی و قبیله‌ای) تماس برقرار کرد و در کوتاه‌ترین زمان آنها را در جوامع پذیرفت و از آنها استقبال نمود.^{۸۱}

بهائیان تبلیغ خودشان را بیشتر بر روی کودکان و نوجوانان متمرکز کرده‌اند. به عنوان مثال گروهی از آنان در همین راستا در روستای مهدی‌آباد در استان فارس در غالب گروه‌های مختلف به عنوان پژوهش‌دنیای



۷۹. آثار سران بهائیت مثل بهاء الله، عبدالبهاء، شوقی و بیت‌العدل.

۸۰. ملانی اسمیت و پاول لمپل، جوانی تواند که عالمی را به حرکت در آورد، ترجمه فارسی، نسخه ۱.

۸۱. همان.



کودک و به بهانه آموزش بهداشت به تبلیغ
بهائیت می پرداختند که با هوشیاری مردم این
ماجرا پایان پذیرفت.

علاوه بر شیراز در بعضی شهرهای دیگر
مانند اصفهان و غیره... تبلیغ بهائیت بر همین
اساس می باشد. از دیگر مواردی که می تواند
مورد تبلیغ قرار گیرد مدرسه یا دانشگاه، منطقه
جغرافیایی، گروه سنی، مردمی از فرهنگها
یا نژادهای مشخص و غیره... را می توان نام
برد. اهمیت انتخاب جمعیت در این است که
روش های گروه متمرکز باشد و بتوان تدابیر و
مطالب مشخصی را انتخاب کرد و با آن
جمعیت انطباق داد. بعد از انتخاب جمعیت مورد
نظر باید در مخاطب قرار دادن جوانان و
کودکان آنان ملاحظاتی را در نظر داشت؛ زیرا
در کار کردن با این دو گروه نیاز به وقت
بیشتری هست و ایشان می توانند افراد خوبی
در آینده برای بهائیان باشند.^{۸۲}



«طرح روحی» یکی از جدیدترین طرح‌های بهائیان در حیفای اسرائیل می‌باشد. «طرح روحی» چند سال قبل توسط یکی از بهائیان مهاجر ایرانی به نام فرزاد ارباب، طراحی شد و پس از بررسی و تصویب «بیت‌العدل حيفا» - به عنوان بالاترین نهاد تصمیم‌گیرنده فرقه ضالّه بهائیت در سطح جهان - به عنوان یک طرح آزمایشی در کشور کلمبیا اجرا گردید.

این طرح در جریان اجرای آزمایشی آن در کلمبیا - که مدت ده سال به طول انجامید - به طور مداوم ارزشیابی می‌شد و نتایج این بررسی‌ها و ارزیابی‌ها در اختیار مرکز بهائیت (بیت‌العدل حيفا) قرار می‌گرفت.

سرانجام «بیت‌العدل حيفا» پس از پایان مرحله آزمایشی این طرح، تصمیم گرفت تا «طرح روحی» به تمام محافل بهایی ابلاغ شود و موارد مطرح شده در آن مورد اجرا قرار گیرد.

از مهم‌ترین اهداف طرح روحی افزایش تعداد بهائیان در اثر تبلیغات بین مردم است.^{۸۳} خود نویسنده طرح (فرزاد ارباب) می‌گوید: ما در دو چیز تمرکز کرده‌ایم؛ ۱. روش ملاقات با





افراد جدید که می‌خواهند به امر بهایی وارد شوند (ملاقات با مؤمنین تازه تصدیق شده) ۲. کسب توانایی در به کارگیری نظریات و عقاید بهایی (با استفاده از شیوه‌های بهاء الله و عبدالبهاء).

مرکزیت بهائیت برای دستیابی به اهداف «طرح روحی» زمان‌بندی‌های مشخصی را معین کرده‌اند که شامل «نقشه‌های پنج ساله» و «نقشه‌های چهارساله» است. بعد از آن نیز یک نقشه دوازده ماهه و یک نقشه پنج ساله در نظر گرفته شده است. شعار اصلی نقشه پنج ساله «افزایش تعداد بهائیان» نام دارد. تبلیغات فرقه بهائیت در کشورهای اسلامی، به‌ویژه خاورمیانه به دلیل حساسیت‌های خاصی که در مورد آن وجود دارد، براساس یک استراتژی ویژه‌ای که از سوی مرکزیت بهائیت، «استراتژی خاموش و پنهان» نام گرفت، اداره شده و برای تحقق اهداف این استراتژی در کشورهای مسلمان زمان بیشتری در نظر گرفته شده است.^{۸۴}

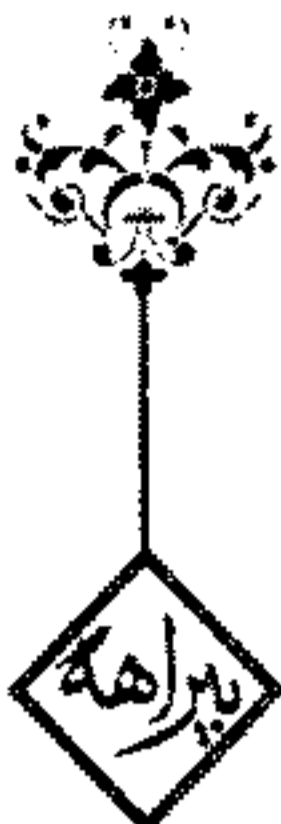
۸۴. تا سال ۲۰۲۱ میلادی برای رسیدن به اهداف مورد نظر وقت و فرصت معین کرده‌اند.

آغاز اجرای «طرح روحی» در ایران

فعالیت «طرح روحی» در ایران با پیام بیت‌العدل حيفا در تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ م. آغاز شد. شیوه فعالیت اجرایی «طرح روحی» با فعالیت‌های گذشته بهائیان ایران تفاوت اساسی دارد.

فرقه ضالّه بهائیت شیوه تبلیغاتی جدید را در برخورد با نظام اسلامی ایران که به زعم خودشان شیوه‌ای هجومی می‌باشد را در پیش گرفته است. به همین مناسبت در سال ۱۳۸۰ سیزده نفر از بهائیان به اصطلاح مستعد، زیر پوشش‌های مختلف از ایران به امارات رفته و در آنجا دوره آموزشی کتاب‌هایی که برای اجرایی کردن «طرح روحی» تدوین و تألیف شده است را آغاز کردند. اعزام مبلغین به «دوبی» با این هدف صورت می‌پذیرد:

۱. فراگیری چگونگی تبلیغ گسترده و مخفیانه در جمهوری اسلامی ایران.
۲. فراگیری راه‌های جدید فریب مسلمانان شیعه ایرانی.
۳. فراگیری چگونگی انتخاب هدف با سوژه بی‌آنکه گرفتار افراد مؤمن و مأموران اطلاعاتی شوند.



رفت و آمد سالانه صدها هزار مسافر که
برای خرید و تفریح به «دوبی» می‌روند،
زمینه‌ای مناسب و دلخواه برای سرکردگان
«بیت‌العدل حیفا» است. «دوبی» در حقیقت به
شکارگاه آنان برای صید نیروهای ناآگاه جدید
مبدل شده است.

مرکزیت بهائیت در اسرائیل توصیه کرده
است که در ایران به دلیل حاکمیت نظام
اسلامی و وجود شرایط خاص، طرح روحی از
سن ۱۶ سالگی آغاز شود و کودکان بهائی از
سن ۱۲ تا ۱۵ سالگی و در صورت امکان به
همراه بزرگترهایشان با هدف فریبکاری، به
کارهای خیریه و عام‌المنفعه - نظیر عیادت از
بیماران در بیمارستان‌ها، نظافت پارک‌های
محل و معابر کوهستانی، مراجعه به آسایشگاه
سالمندان و کمک به سالخوردگان - پردازند.

پیروان فرقه ضاله بهائیت براساس طرح
روحی آویختن به حربه‌های دروغین را نیز جایز
می‌شمارند. از جمله یکی از اعضای محفل ملی
بهائیت ایران، با تکیه بر دستورالعمل بیت‌العدل
مبنی بر اینکه باید با افراد غیر بهایی ارتباط
برقرار کرد، نفوذ در جوامع روستایی و کوچک



را زیر این پوشش بهداشت‌ت‌یار و... توصیه می‌کند:

«اگر فرضاً دوستان ایده‌هایی را بیان می‌دارند، مانند اینکه بهداشت یار هستیم و...، اینها هدف نیستند؛ بلکه محملی است برای شناسایی افراد مستعد و اینکه آنها را وارد پروسه مؤسسه آموزش نماییم.»

آنان از راه آشنایی با دوستان دوران مدرسه، مهاجران فقیر افغانی، کمک مالی به خانواده‌های مستمند و ایجاد کلاس‌های آشپزی و هنری، رفت آمد به کتابخانه‌ها و سمینارهایی که در فرهنگ‌سراها برگزار می‌شود، به دنبال وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط مخفی و سپس تبلیغ بهائیت هستند. براساس طرح روحی هر خانواده بهایی در ایران باید چند راهنما داشته باشد تا بتواند با خانواده‌های غیر بهایی مرتبط شود. با این توصیف در هر نقطه‌ای که یک یا چند خانواده بهایی وجود دارد، خانواده‌های مسلمان و غیر بهایی در معرض تهدیدات ناشی از تبلیغات بهائیان قرار دارند. براساس رهنمودهای طرح روحی، هویت کلیه مؤسسات تحت پوشش، از جمله «مؤسسه



تربیت امری»، باید در خدمت مؤسسه آموزش
مردمی قرار گرفته و از اردیبهشت ۱۳۸۴ علاوه
بر انجام امور ذاتی خود، عملاً ماموریت‌های
جدیدی را با هدف جاسوس‌پروری - به نفع
رژیم صهیونیستی اسرائیل - و جذب هر چه
بیشتر غیر بهائیان انجام دهند.





(۴) ابزارهای تبلیغی بهائیت

الف) راه‌اندازی سایت‌های اینترنتی

یکی از ابزارهای تبلیغی بهائیت استفاده از اینترنت می‌باشد در حال حاضر ده‌ها سایت و وبلاگ به زبان فارسی در جهان مشغول به تبلیغ مسلک بهایی می‌باشد و بعضاً در پوشش عنوان مقدس مهدویت به پخش اطلاعات غلط و وارونه درباره حضرت ولی عصر (عج) مبادرت ورزیده و افراد مختلف به‌ویژه جوانان تحصیل کرده را که جهت کسب اطلاعات در اینترنت به جستجو می‌پردازند گمراه می‌سازد.

بر این اساس یکی از نخله‌هایی که در سال‌های اخیر توانسته فضای مناسبی را جهت تبلیغ و ترویج اندیشه‌های مذموم خود در اینترنت فارسی بیاید، فرقه ضاله بهائیت است.



حمایت بی‌دریغ رژیم صهیونیستی، آمریکا و انگلستان، امکانات تبلیغی فراوانی را برای این فرقه در اینترنت فراهم آورده است.

ب) تلویزیون و ماهواره

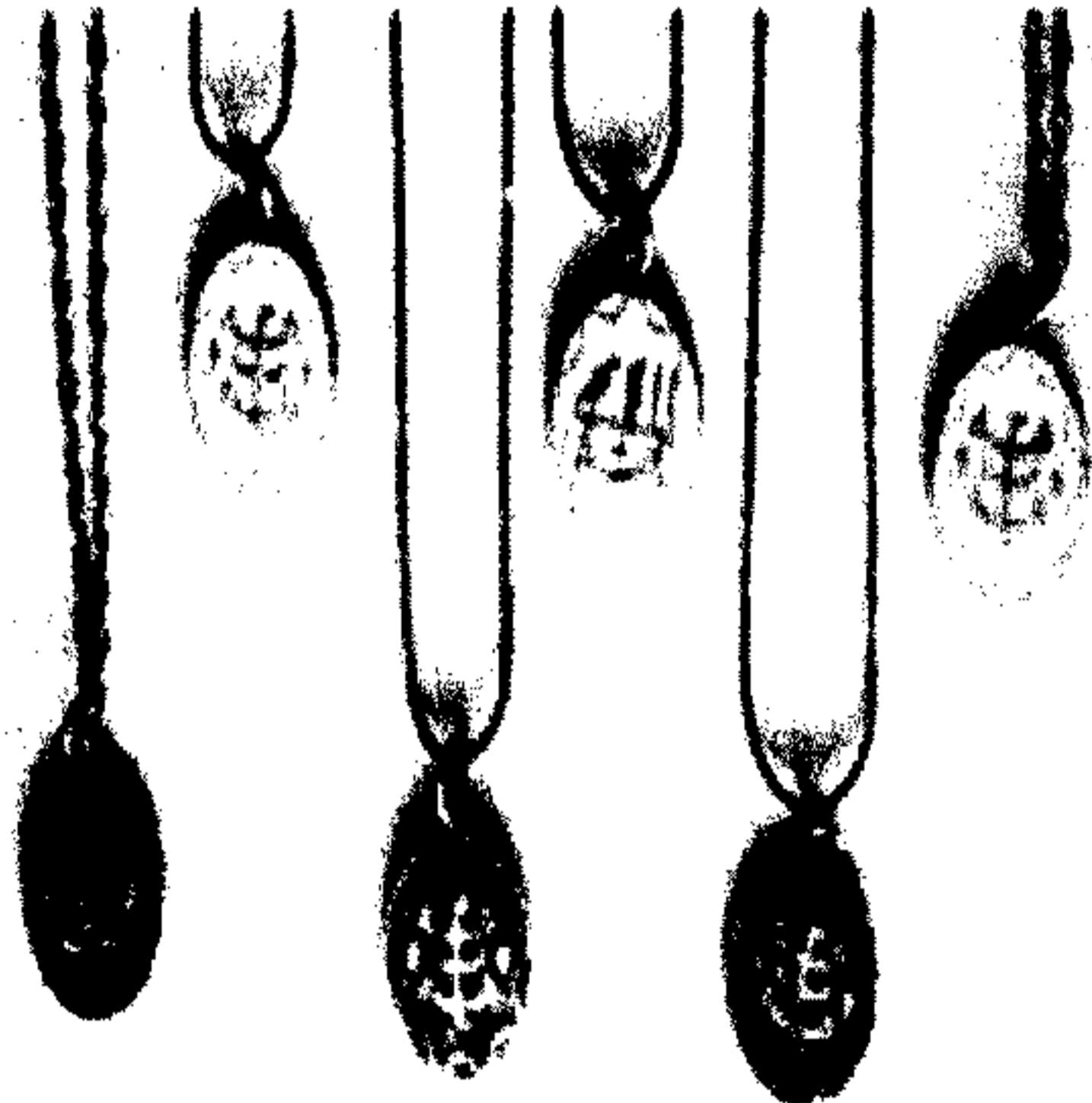
فرقه ضاله بهائیت در راستای فعالیت‌های رسانه‌ای خود، اقدام به پخش برنامه‌های مختلف تلویزیونی توسط یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای نموده است.

این شبکه ماهواره‌ای به معرفی، تبلیغ و ترویج این فرقه انحرافی پرداخته و با طرح مسائلی چون معرفی تعالیم فرقه، تساوی حقوق زن و مرد، تعلیم و تربیت اجباری، ترک تعصبات، تحری حقیقت و ... سعی در جذب غیر بهائیان دارد. این شبکه با نسخه‌پیچی دستورهای بهائیت برای تربیت فرزندان و زیر سؤال بردن احکام و ارزش‌های اسلامی، ادعای پایمال شدن حقوق بهائیان را طرح کرده و قصد دارد با مظلوم‌نمایی و ارائه جذابیت‌های کاذب تعالیم، این فرقه ساختگی را تنها راه‌گشای بشریت برای رسیدن به سعادت و صلح جهانی معرفی نماید.



ج) ضرب انواع طلا و پلاک

از فعالیت‌های این فرقه ضاله اقدام به سفارش انواع ضرب طلا به مضامین بها الله بر روی انواع گردنبند، انگشتر، دست‌بند و... است. این اقدامات اکثراً در تهران و اصفهان صورت گرفته و فروش این اشیاء یکی از شگردهای تبلیغی این فرقه می‌باشد.





کلام آخر

با نگاهی به تاریخچه پیدایش فرقه جعلی و انحرافی بهائیت، می‌توان به رابطه بین بهائیت و صهیونیسم پی برد. ظهور مشکوک باب به عنوان پیامبری جدید پس از اندکی فعالیت در تجارت‌خانه عمویش در بوشهر و معاشرت با ساسون‌های یهودی که در آن ایام در این شهر حضور یافته بودند، روابط ویژه بهاء و عبدالبهاء با سران صهیونیسم و عرض ارادت‌های شوقی به آنها و در مقابل حمایت‌های آنها از این فرقه و همچنین گرایش دسته جمعی یهودیان مخفی (در ایران آنوسی‌ها که به ظاهر مسلمان می‌شوند) به این فرقه برای گرم‌تر کردن بازار این پیامبران عصر جدید در میان مسلمانان، بخشی از این روابط است. از سوی دیگر جاسوسی بهائیان در جنگ جهانی اول به نفع انگلیس و به ضرر دولت عثمانی، تبلیغ وسیع رسانه‌های استکباری به نفع

این فرقه دست‌ساخته خود، به عنوان یک دین پیشرفته، امروزی، صلح‌طلب و مقید به اخلاقیات، از دیگر موارد این ارتباطات است که جای هیچ شکی برای وابستگی سران این فرقه و خیانت‌های آنها به نفع استکبار و به ضرر کشورهای مستقل باقی نمی‌گذارد.

امروزه به علت وجود تعداد معدودی بهائی در جامعه ایران، دولت اسرائیل برای دنبال کردن اهداف خود علیه جمهوری اسلامی ایران، راهکار تقویت بهائیان ایران را در پیش گرفته است. آنچه که مدتی است شاهد آن هستیم فعال‌تر شدن بهائیان در فضای اینترنت، انتشار وبگاه‌هایی به زبان فارسی و همچنین فعالیت‌های تبلیغی، اقتصادی و فرهنگی در نقاط مختلف کشور است. ارائه چهره انسان‌دوستانه و صلح‌طلب از بهائیت و همچنین انعطاف‌پذیر بودن قوانین و آداب آن برای پیروان و سوء استفاده از ناآگاهی برخی از مردم - خصوصاً جوانان و اقشار محروم اقتصادی و فرهنگی از مسائل مذهبی - از جمله راهکارهای تبلیغی مبلغان این فرقه ضاله در ایران اسلامی است. آنچه در پس این تبلیغات و در پی آن حاصل می‌شود، فراهم شدن نیروی انسانی بومی



برای انجام فعالیت‌های ضد اسلام و نظام در نقاط
و سطوح مختلف کشور می‌باشد.

امید است تا با آگاهی و بصیرتِ عموم مردم -
به‌خصوص جوانان عزیز - پیشینه و پشت پرده
این فرقه ساختگی بیش از پیش، نمایان شده و
استعمارگران در آرزوی تسلط بر فکر، ایمان و
اخلاق مسلمانان، ناکام بمانند.





فهرست منابع

۱. اخبار امری، ارگان محفل بهائیان ایران، شهریور ۱۳۳۰، ش ۵، سال ۱۰۷، ش ۸ و ۲.
۲. اسمیت ملانی و پاول لمپل؛ جوان تواند که عالمی را به حرکت درآورد، ترجمه فارسی، تهران، زمستان ۱۶۴ بدیع.
۳. افندی، شوقی؛ توقيعات مبارکه، طهران، موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۵ بدیع.
۴. افندی، شوقی؛ قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، موسسه ملی مطبوعات امری.
۵. افندی، عباس، مفاوضات، به کوشش کلیفرد بارنی، لیدن، ۱۹۰۸.
۶. امامی، محمدجعفر؛ پای سخنان پدر، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳، چاپ دوم.
۷. آواره، عبدالحسین؛ الكواكب الدريره فی مآثر البهائیه، مطبعة قاهره، مطبعة سعادت، ۱۳۴۲ق.



۸ باب، علی محمد؛ بیان فارسی، تکثیر
محدود توسط محفل روحانی ایران، ۱۳۳
بدیع.

۹. باب، علی محمد؛ احسن القصص، مجموعه
۴۱۵ صفحه‌ای از روی نسخه سال ۱۲۶۱.

۱۰. بهاء، حسینعلی؛ اقدس، باضافه ملحقات
۱۸۰ صفحه‌ای.

۱۱. بهاء، حسینعلی؛ اقدس، بمبئی، مطبعة
ناصری، ۱۳۱۴ق.

۱۲. بهاء، حسینعلی؛ کتاب بدیع، ۴۱۲ صفحه‌ای،
م-۲۸۴-طا.

۱۳. خاوری، عبدالمحمد اشراق؛ تلخیص تاریخ
نبیل، موسسه‌های مطبوعات امری، ۱۳۴
بدیع.

۱۴. دانشنامه جهان اسلام، جلد ۴، بنیاد
دایرةالمعارف، ۱۳۷۷.

۱۵. زعیم الدوله، محمدمهدی خان؛ مفتاح باب
الابواب، ترجمه شیخ حسن فرید گلپایگانی،
تهران، کتابخانه ۱۳۴۰. چاپ دوم،

۱۶. صبحی، مهتدی؛ خاطرات انحطاط و
سقوط افضل الله، به کوشش علی امیر
مستوفیان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۴.



۱۷. فیضی، محمدعلی؛ رساله راهنمای تبلیغ،
طهران، موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۷
بدیع.

۱۸. کاشانی، حاج میرزا جانی؛ نقطه الکاف
در تاریخ ظهور باب، به سعی و اهتمام ادوارد
براون، لیدن ۱۳۲۸ قمری.

۱۹. گلیایگانی، ابوالفضل و سید مهدی؛ کشف
الغطاء عن حیل الاعداء، روسیه، سر بی،
تاشکن، ۱۹۱۹ م.

۲۰. ماهنامه زمانه (اندیشه و تاریخ سیاسی ایران
معاصر) شماره ۶۱

۲۱. مجله ایام، شماره ۲۹، ششم شهریور ۱۳۸۶.

۲۲. مجلسی، محمدتقی؛ بحار الانوار، بیروت،
موسسه الوفاء، چاپ دوم.

۲۳. مجموعه کتب روحی، کتاب ۱ تا ۷، به
صورت الکترونیکی.

۲۴. مصطفوی، حسن؛ محاکمه و بررسی در
عقاید و احکام و آداب و تاریخ و باب و
بهاء، تهران، آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۴،
چاپ چهارم.

۲۵. نوری، حسینعلی؛ اقتدارات، بمبئی، چاپ
سنگی، ۱۳۱۰.



۲۶. هدایت، رضا قلی خان؛ تاریخ روضه الصفا،
تصحیح جمشید کیانفر، انتشارات اساطیر،
۱۳۸۰، چاپ اول.

۲۷. یزدانی، احمد؛ نظر اجمالی در دیانت
بهائی، تصویب لجنه ملی نشریات امری،
۱۰۷ بدیع (۱۳۲۹ش)

